

بازنمایی چرخش گفتمانی قدرت در ایران تحلیل گفتمان انتقادی مراسم تنفیذ و تحلیف هفتمین رئیس جمهور منتخب ایران در شبکه‌های خبری بین‌المللی^۱

محمد نیک ملکی^۲

. سید نورالدین رضوی زاده^۳

چکیده

در مطالعات انتقادی و ارتباطی، «بازنمایی»، تولید معنا از طریق چارچوب‌های مفهومی و گفتمانی تعریف می‌شود. استوارت هال معتقد است که هیچ معنایی خارج از گفتمان وجود ندارد و آنچه را که ما واقعیت می‌نامیم، خارج از فرایند بازنمایی نیست. بر این اساس پژوهش «بازنمایی چرخش گفتمانی قدرت در ایران؛ تحلیل گفتمان انتقادی مراسم تنفیذ و تحلیف هفتمین رئیس جمهور منتخب ایران در شبکه‌های خبری بین‌المللی»، بی‌بی‌سی جهانی، الجزیره انگلیسی، پرس تی‌وی و العالم^۳ به روش تحلیل گفتمان انتقادی، واحد تحلیل، گزارش خبری، به روش و شیوه نمونه‌گیری غیر احتمالی و هدفمند و در بازه زمانی (روزهای ۱۲، ۱۳ و ۱۴ مرداد) ۱۳۹۲ انتخاب و مورد تحلیل گفتمانی قرار گرفت. بر اساس نتایج این تحقیق؛ بازنمایی گفتمانی شبکه الجزیره انگلیسی بر «استقبال مشروط از مذاکرات هسته‌ای» در قالب گفتمان تلویحی «رویکرد پان عربیسمی مخالف تعامل ایران با کشورهای منطقه و حتی مذاکره مستقیم با آمریکا»، شبکه بی‌بی‌سی جهانی بر «طرد گفتمان درون‌زایی بومی و ملی» در قالب گفتمان «سلطه و محکوم» و شبکه سی‌ان‌ان نیز بر بازنمایی گفتمانی «حیات مجدد نظام در گرو تعامل با غرب» استنباط شد. در مقابل رسانه‌های برون‌مرزی ایران، شبکه پرس تی‌وی بر بازنمایی «گفتمان انتخابات به مثابه نمایش بزرگ دموکراسی» و شبکه العالم نیز بر گفتمان «مردم سالاری اسلامی» و در پیوند با «مشارکت

۱. الجزیره انگلیسی، سی‌ان‌ان بین‌المللی، بی‌بی‌سی جهانی، پرس تی‌وی و العالم

۲. دانشجوی دکتری علوم ارتباطات. دانشکده ارتباطات. دانشگاه علامه طباطبایی. تهران. ایران

۳. استادیار دانشکده ارتباطات. دانشگاه علامه طباطبایی. تهران. ایران

گسترده مردم درانتخابات» با موضوع هسته‌ای متمرکز بود.

واژگان کلیدی:

بازنمایی رسانه‌ای، تحلیل گفتمان انتقادی، مراسم تنفیذ و تحلیف یازدهمین دوره ریاست جمهوری، گزارش‌های خبری، شبکه‌های خبری بین‌المللی



مقدمه

«مورگنتا» معتقد است رسانه‌ها برای دولت‌ها با رویکرد قدرت نرم «سیاست پرستیژ» در صحنه بین‌الملل ایفای نقش می‌کنند. (مورگنتا، ۱۳۷۸: ۱۹۷). «مانوئل کاستلز» نیز در جلد سوم کتاب معروف «عصر اطلاعات؛ جامعه شبکه‌ای» از رسانه‌ها به عنوان یکی از مولفه‌های قدرت یاد می‌کند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۳۲۱). «استوارت‌هال» از پیشگامان «مطالعات فرهنگی» دانشگاه بیرمنگام انگلیس نیز معتقد است: این که گفته می‌شود رسانه‌ها ایدئولوژیک هستند به این معناست که در قلمرو اجتماعی معنا عمل می‌کنند (دروین و همکاران، ۱۳۸۰: ۷۶).

«جان هارتلی» نیز در کتاب درک خبر^۴ نتیجه‌گیری می‌کند: «خبرگفته‌مان‌های ایدئولوژیک مسلتی را در حوزه‌ها و قلمروهای مخصوص خود باز تولید می‌کند و چشم‌انداز «خبر» معمولاً بر دیدگاه‌های مسلتی منطبق است که همان ایدئولوژی است» (میرعابدینی، ۱۳۸۰: ۱۲۸).

در حوزه مطالعات انتقادی و ارتباطی، «بازنمایی»، تولید معنا از طریق چارچوب‌های مفهومی و گفتمانی تعریف می‌شود. استوارت‌هال معتقد است که هیچ معنایی خارج از گفتمان وجود ندارد و مهم‌تر آن که وظیفه مطالعات رسانه‌ای، سنجش شکاف میان «حقیقت» و «بازنمایی» نیست، بلکه تلاش برای «شناخت تولید روبه‌ها» و «صورتبندی‌های گفتمانی» است. بر این اساس می‌توان گفت؛ بازنمایی، ساخت رسانه‌ای حقیقت است. بازنمایی، معنا را در چارچوب‌های گفتمانی تولید می‌کند. از دیدگاه این تئوری، حقیقت، انکار نمی‌شود اما، در نهایت حقیقت آن زمان وجود خارجی می‌یابد که در «فرآیند بازنمایی» قرار گیرد. از دیدگاه بازنمایی، معنا یافتن هر چیزی در چارچوب گفتمان شکل می‌گیرد و فعالیت پژوهشی در این حوزه در راستای اندازه‌گیری عملکرد رسانه‌ها میان «نمایش حقیقت» با «روایت حقیقت» در چارچوب معانی تولید شده، و چارچوب‌های گفتمانی است (Calvert & Lowis, 2002: 200).

4. Understanding News

5. Representation

تحلیگران گفتمانی نیز معتقدند، یکی از کارکردهای اصلی گفتمان مسلط، ایجاد وفاق، مشروعیت و سلطه است، در این خصوص یکی از منابعی که قدرت و سلطه به آن وابسته‌اند، دسترسی به گفتمان و ارتباطات است، بدین معنی که دسترسی به گفتمان برای کنترل و ایجاد مشروعیت و بازتولید سلطه ضروری است.

بنابراین تحلیل گفتمان انتقادی رسانه، شناخت و بازتولید گفتمان مسلط رسانه‌های خبری در قالب بازنمایی از رویدادها را قادر می‌سازد تا صحنه‌های پنهان و آشکار قدرت را در سیاست خبری رسانه‌ها ادراک کنیم. همچنین بستر و مناسبات اجتماعی و روابطی را که در چارچوب گفتمان مسلط آنها تعین می‌پذیرد، بازنمایی کنیم، چرا که گفتمان رسانه، بازتابی از فضای حاکم سیاسی، رقابت سیاسی و ساخت قدرت را در عرصه ملی و بین‌المللی را به نمایش می‌گذارد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، شبکه‌های ماهواره‌ای غربی و برخی از شبکه‌های منطقه‌ای رویکردهای مختلف در پوشش و بازنمایی گفتمانی رویدادهای ایران در موضوع‌های مختلف همچون؛ جنگ تحمیلی، فعالیت‌های صلح آمیز هسته‌ای، مبارزه با تروریسم و حقوق بشر باز نمود داشته‌اند. نظر به اهمیت انتخابات ریاست جمهوری که سال آینده در ایران برگزار می‌شود، نتایج این تحقیق می‌تواند الگو و تجربه ارزنده‌ای در زمینه مدیریت گفتمان رسانه‌ای برای تصمیم‌گیران و سیاستگذاران رسانه‌ای در سطح خرد و کلان بازنمایی گفتمانی انتخاباتی پیشرو باشد. بنابراین مقاله حاضر می‌کوشد به این سوال اساسی پاسخ دهد که نحوه بازنمایی چرخش گفتمانی قدرت (مراسم تنفیذ و تحلیف ریاست جمهوری) در گزارش‌های شبکه‌های خبری سی‌ان‌ان بین‌المللی، بی‌بی‌سی جهانی، الجزیره انگلیسی، پرس تی‌وی و العالم چگونه بوده است؟

سؤال اصلی تحقیق

(۱) نحوه بازنمایی چرخش گفتمانی قدرت (مراسم تنفیذ و تحلیف ریاست جمهوری) در گزارش‌های خبری شبکه‌های سی‌ان‌ان بین‌المللی، بی‌بی‌سی جهانی، الجزیره انگلیسی، پرس تی‌وی و العالم چگونه است؟

روش تحقیق؛ تحلیل گفتمان انتقادی

تحلیل گفتمان به مطالعه شرایط اجتماعی ای می‌پردازد که «متن» تحت تأثیر آنها تولید می‌شود و در عین حال مورد تفسیر قرار می‌گیرد. به این ترتیب می‌توان گفتمان را از یک سو مطالعه زبانشناختی نظام اجتماعی واز سوی دیگر، مطالعه جامعه‌شناختی زبان دانست. هدف تحلیل گفتمان آن است که نشان دهد چگونه زمینه (بافت)های سیاسی، فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و شناختی کاربردی زبان و ارتباطات محتوا، معانی، ساختارها یا استراتژی‌ها بر متن تأثیر می‌گذارند و نیز چگونه گفتمان بر شکل‌گیری ساختارها و بسترهای مزبور تأثیر می‌گذارد.

تحلیل گفتمان انتقادی^۶ نظر بریمن^۷ (۲۰۱۲) روشی است که بر نقش زبان به عنوان منبع قدرت تأکید می‌کند، و به تغییر ایدئولوژیک و اجتماعی و فرهنگی مرتبط است. وان دیک (۲۰۰۸: ۲۷) رابطه بین گفتمان و قدرت اجتماعی، تحت تأثیر مفهوم بورديو از «قدرت نمادین»، بر خلق و بازتولید روابط قدرت نابرابر در جامعه متمرکز است. ون دیک (۲۰۰۱ & ۲۰۰۹) شناخت اجتماعی را پیوندی بین تحلیل گفتمان انتقادی و دنیای اجتماعی می‌داند (که چگونه گفتمان در ذهن افراد به تصویر کشیده می‌شود).

جامعه آماری این تحقیق شامل گزارش‌های خبری ۵ شبکه پرس تی وی، الجزیره انگلیسی، بی بی سی جهانی، سی ان ان بین المللی و العالم مربوط به مراسم «تحلیف و تنفیذ» یازدهمین دوره ریاست جمهوری مورخ ۱۲، ۱۳ و ۱۴ مرداد ۱۳۹۲ است. واحد تحلیل؛ گزارش خبری، روش و شیوه نمونه‌گیری؛ غیر احتمالی و هدفمند. در این پژوهش ۲۸ گزارش خبری تحلیل گفتمان انتقادی شد. در این

6. Critical discourse analysis(CDA)

7. Bryman

^۸. شبکه الجزیره انگلیسی: ۷ گزارش خبری (۳ گزارش ۱۲ مرداد، ۲ گزارش ۱۳ مرداد و ۲ گزارش ۱۴ مرداد)، شبکه بی بی سی جهانی: ۷ گزارش خبری (۳ گزارش ۱۲ مرداد، ۲ گزارش ۱۳ مرداد و ۲ گزارش ۱۴ مرداد)، شبکه سی ان ان: ۷ گزارش خبری (۵ گزارش خبری ۱۳ مرداد، ۲ گزارش ۱۴ مرداد) (شبکه سی ان ان بین المللی ۱۲ مرداد هیچ گزارشی با موضوع مراسم تنفیذ و تحلیف نداشت و کاملاً گفتمان سکوت را دنبال کرد).

تحقیق براساس متغیرهای؛ (۱) واژگان (مثبت و منفی)، (۲) مشارکین (مثبت و منفی) (۳، قطب‌بندی (غیرسازی)، (۴) استناد یا ذکر شواهد، (۵) استنباط، ملاحظات (دلالت‌های ضمنی) پیش‌فرض‌ها؛ فکار قالبی و پیشداوری‌ها، تلقین و تداعی، (۶) مولفه‌های اجماع و توافق در گزارش، (۷) سبک بیان، (۸) انسجام موضعی، (۹) استفاده از استعاره، (۱۰) واژگان ایدئولوژیک و (۱۱) گزاره‌های اساسی (ساختار متن و جان مایه متن)، گزارش‌های ۵ شبکه خبری، تحلیل گفتمان انتقادی شده است.

مبانی نظری

در بخش تئوری با توجه به اینکه رهیافت اصلی این مقاله بر بازنمایی گفتمانی متمرکز است نگاهی اجمالی به این نظریه از نگاه ادوارد سعید تا استوارت هال و از میشل فوکو تا گیدنز و از هابرماس تا مک لوهان در قالب دیپلماسی رسانه‌ای می‌پردازیم.

بازنمایی چیست؟ ساخت واقعیت است یا نشان دادن واقعیت؟ نمایش واقعیت است، که با تولید معنا، به مفهومی دیگر می‌انجامد و یا روایت واقعیت است؟ آیا رسانه‌ها در چارچوب یک گفتمان، واقعیت را به طرزی آشکار و پنهان تغییر می‌دهند، که از آن می‌توان به نمایش واقعیت یاد کرد؟

ادوارد سعید در گفتمان شرق‌شناسی، معتقد است، بازنمایی‌های شرق‌شناسانه از سوی غرب پیش و بیش از آنکه واقع‌بینانه باشد، نوعی ارائه نظام‌بازنمایی شرقی در غرب تلقی می‌شود. از همین‌روست که، رسانه‌های ارتباط جمعی و به ویژه «مطبوعات غرب» می‌کوشند تا واقعیت نهفته در کشورهای مشرق‌زمین، خاورمیانه و به ویژه ایران را با انگاره‌سازی‌های منفی تغییر دهند (پیرنجم، ۱۳۸۹: ۸۳).

شبکه پرس تی‌وی: ۳ گزارش (۱ گزارش ۱۲ مرداد، ۱ گزارش ۱۳ مرداد و ۱ گزارش ۱۴ مرداد)، شبکه العالم: ۴ گزارش (۱ گزارش ۱۲ مرداد، ۱ گزارش ۱۳ مرداد و ۲ گزارش ۱۴ مرداد).

از دیدگاه استوارت هال «بازنمایی نه انعکاس و بازتاب معنای پدیده‌ها در جهان خارج، که تولید و ساخت معنا براساس چارچوب‌های مفهومی و گفتمانی است.» (مهدیزاده، ۱۳۸۷: ۱۰).

ریچارد دایرلنیز، از مفهوم بازنمایی در رسانه‌ها تحلیلی گسترده‌تر ارائه می‌کند و می‌گوید: «مفهوم بازنمایی در رسانه‌ها عبارت است از؛ ساختی که رسانه‌های جمعی از جنبه‌های مختلف واقعیت مثل افراد، مکان‌ها، اشیاء، اشخاص، هویت‌های فرهنگی و دیگر مفاهیم مجرد ایجاد می‌کنند. تجلی بازنمایی‌ها ممکن است به صورت گفتاری، نوشتاری یا تصاویر متحرک باشد» (Stafford, Gil and Roy, ۲۰۰۳: ۱۲۳).

فرکلاف نیز، با تأکید بر مفهوم طبیعی سازی در آثار «رولان بارت» معتقد است که، «اسطوره‌ها» به عملکرد طبیعی سازی بازنمایی کمک می‌کنند، تا سرانجام واکنش‌های فرهنگی ما به امور «عادی»، «طبیعی» و «خودآگاه» جلوه کند. او این عملکرد اسطوره‌ها و تاثیر آن بر طبیعی سازی را، ایدئولوژیک تلقی می‌کند. به باور فرکلاف؛ «طبیعی سازی، بازنمودهای ایدئولوژیک خاص را به صورت عقل سلیم در می‌آورد و بدین وسیله آن‌ها را غیرشفاف می‌کند، یعنی به عنوان ایدئولوژی به آن‌ها نگاه نمی‌شود» (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۵۰).

تاکید بر گفتمان به جای زبان در بازنمایی، به میشل فوکو بازمی‌گردد، او به جای زبان از «گفتمان» در نظام بازنمایی استفاده می‌کند. از دیدگاه فوکو «معنا» و «اشکال معنایی» درون گفتمان و در چارچوب گفتمان‌های مفهومی ساخته می‌شود. استوارت هال، دیدگاه فوکو در باره بازنمایی را این‌گونه تعریف می‌کند: «گفتمان فوکویی، تلاشی است برای فائق آمدن به تمایز سنتی زبان و پراکسیس» (Hall, 1997: 46) بودریار نیز معتقد است که در شبیه سازی و وانمایی فرقی بین واقعیت و وانمایی نیست. درک ما از دنیای بیرون بر اساس تصاویر و شبیه سازی رسانه‌ای است. کاستلز نیز می‌گوید بهتر است به جای واقعیت مجازی بگوییم مجاز-واقعیت؛ چون خود امر مجازی، تبدیل به واقعیت شده است.

گیدنز نیز بر اساس نظریه ساخت گرایی و تعامل گرایی خود معتقد است رسانه‌ها از آخر به اول می‌رسند. یعنی ابتدا بر رفتار مخاطبان تاثیر می‌گذارند، سپس بر تشخیص آن‌ها و در نهایت بر درک و اندیشه آن‌ها نقش ایفا می‌کند. از نظر گیدنز هر قدر رسانه‌ها بر رفتار مخاطبان تاثیر بگذارند، بر افزایش احساس قدرت آن‌ها تاثیر گذاشته‌اند و همین احساس قدرت و منزلت اجتماعی بالاتر، سبب می‌شود تا مخاطبان به وسیله رسانه‌ها بر حکومت‌کنندگان تاثیر بگذارند.

در مجموع از استوارت هال تا ادوارد سعید و از میشل فوکو تا گیدنز و از هابر ماس تا مک لوهان به یک نتیجه روشن دست می‌یابیم: رسانه‌ها دیگر با ظهور اینترنت و ایجاد فضای وب نقش خود را تغییر داده‌اند، در مقابل مخاطبان هم عوض شده‌اند، امروزه دنیای وب و اینترنت عصر تازه‌ای از ارتباطات و خبر سانی را ایجاد کرده است که، بسیاری از اندیشه‌های ارتباطی پیشین موقعیت خود را از دست داده‌اند (پارسا، ۱۳۷۹: ۱۱).

برای پاستر و رین گولد، ساختار فضای سایبر نشان می‌دهد که حوزه عمومی الکترونیک گسترش یافته، انواع کنترل متمرکز انحصاری را که به طور سنتی ملازم و همراه رویه‌های بهنجار سازی و مقررات‌گذاری پخش و صنعت فرهنگ بود، غیرممکن می‌سازد. از دیدگاه پاستر ارتباطات الکترونیک تحت تاثیر تکنولوژی مدرن، فرهنگ الکترونیک را زاییده است و این زایش نگرش فرد را نه تنها تغییر داده بلکه سبب شده افراد در جامعه مدرن یک هویت چندگانه پیدا کنند (پاستر، ۱۳۷۷: ۱۵۳).

این نگاه نشان می‌دهد که رسانه در جایگاه دیپلماسی عمومی درصدد هست تا به عموم مخاطبان هدف حفظ و مدیریت انگاره‌ها را به طور برنامه ریزی شده آموزش دهند و بر آنان تاثیر بگذارند. تا جایی که دیپلماسی عمومی با رویکرد رسانه‌ای در تلاش است تا ادراک و افکار افراد دولت هدف را در جهت انگاره منبع یا ملت هدف، تحت تاثیر قرار دهد (ایزدی، ۱۳۸۸: ۱۷۶).

دستکاری در پیام نیز از وجوهی است که با تاکید بر نظریه ارتباطی لاسول در دیپلماسی رسانه‌ای با دقت دنبال می‌شود تا برای مخاطبان ایده سازی کند و پیام‌های موثر برای تغییر نگرش آنان را ارسال نماید.

اندیشمندان مکتب فرانکفورت از جمله یورگن هابرماس نیز در کتاب مشهور خود به نام «فضای عمومی» با تجزیه و تحلیل مطبوعات و افکار عمومی چنین نتیجه می‌گیرد که: رسانه‌های ارتباط جمعی تحت تاثیر استیلای سرمایه داری منحرف شده اند و زیر سلطه گروه‌های سرمایه داری و در جهت حفظ منافع اقتصادی و سیاسی خاص هیات حاکمه «فضای عمومی» را مسموم و افکار عمومی را منحرف کرده و به سوی مشروعیت دادن به نظام حاکم کشیده شده اند (معمدنزاد، ۱۳۷۱: ۲۰).

در نبود ساختار معنایی ارتباط بین رسانه و مخاطب و در پوشش دست‌ورالعمل مخفی که از طریق برنامه‌های ارتباطی ارائه می‌شود، تلاش‌های دیپلماسی عمومی کنش استراتژیکی پنهان و ایجاد سناریوهای مشکوک را آشکار می‌کند. سناریویی که در نظر مخاطبان به عنوان مثال از ایران یا کشورهای مسلمان «تعبیری نامتقارن» و یا «تعبیری بد» را آشکار می‌کند. لذا پارادوکس به وجود آمده در اینجا این است که به جای دستیابی به تفاهم بین فرهنگ‌ها، کارکرد دیپلماسی عمومی به طور تاریخی باعث ایجاد سناریویی برای «بیشتر شدن سوء تفاهمات» و ارتکاب خشونت به وسیله تحمیل یک مجموعه ویژگی‌های از «معانی و سیاست‌ها» بر کشورهای منطقه خاورمیانه به ویژه ایران می‌شود.

اما نوع نگاه مک لوهان در دیپلماسی رسانه‌ای امروز در دنیا به ویژه رسانه‌های غربی گرچه جایگاه دارد، اما لزوماً رسانه‌ها و به ویژه رسانه‌های خبری دیدگاه انتقادی مک لوهان را پیگیری نمی‌کنند. رسانه‌ها و به ویژه مک لوهان امروزه در غرب به جایگاهی رسیده اند که وقتی خود نیز به طور مستقل به پدیده‌ای و یا امری در سطح جامعه برخورد می‌کنند، آن را به یک پیام تبدیل می‌سازند و این مساله نشان می‌دهد که برابر نظریه مک لوهان رسانه‌ها به قدرتی رسیده اند که خود به یک پیام تبدیل شده اند و می‌توانند برای تاثیرگذاری بر مخاطبانشان با ایجاد نظام ارتباطی معنایی تاثیرگذار باشند. با توجه به نظریه‌ها رولد لاسول، کومبز، هابرماس و مک لوهان و... به این نتیجه می‌رسیم دیپلماسی رسانه‌ای غرب به هدف‌های از پیش تعیین شده، توجه بیشتری دارد تا به کارکرد اصلی ارتباطات. کارکردی که بیشتر فرهنگی است تا سیاست. از همین رو در دیپلماسی رسانه‌ای غرب در حوزه ارتباطات

و روابط بین الملل، کوشش می‌کنند تا رسانه‌های با نفوذ را در چارچوب یک دیپلماسی رسانه‌ای موفق سازماندهی کنند (شمخانی، ۱۳۸۹: ۵۹-۵۱).

این در حالیست که این رویکرد در نظریه «سی.ان.ان» نیز منطبق بر رهیافت دیپلماسی رسانه‌ای در تعامل با سیاست خارجی تبلور می‌یابد. این نظریه معتقد است رسانه‌های خبری می‌توانند نقش ابزار تبلیغات سیاسی دولت را بازی کنند و با دفاع از سیاست خارجی و با ارزش‌گذاری و ارزش‌سازی، القاء پیام و برجسته‌سازی، نسبت به مشروعیت بخشی به سیاست‌های حکومتی و رساندن پیام‌های دست‌اندرکاران دیپلماسی کشورها به افکار عمومی جهانی، نقش توجیه‌گر دولت را در عرصه سیاست خارجی ایفاء نمایند. در این نقش، آنها اشاعه دهنده فرهنگ، عقاید، آراء و تبلیغ‌کننده ایدئولوژی و ایده‌های سیاست خارجی کشورها هستند.

براین اساس با توجه به این تئوری در یک جمع بندی در خصوص تئوری بازنمایی از نظر «ریچارد دایر» مفهوم بازنمایی در رسانه‌ها عبارت است از: «ساختی که رسانه‌های جمعی از جنبه‌های مختلف واقعیت مثل افراد، مکان‌ها، اشیاء، اشخاص، هویت‌های فرهنگی و دیگر مفاهیم مجرد ایجاد می‌کنند. تجلی بازنمایی‌ها ممکن است به صورت گفتاری، نوشتاری یا تصاویر متحرک باشد.» (Stafford, Gil and Roy 2003: 123).

(Stafford, Gil and Roy

بازنمایی به ما یاد آوری می‌کند که سیاست‌نمایش دهنده رسانه‌ها تعیین می‌کند که تصاویر و شیوه‌های تصویرکردن گروه‌های خاص چگونه به انجام برسد. بنابراین عمل بازنمایی می‌تواند بر چگونگی شکل‌گیری تجارب گروه‌ها در جهان و چگونگی فهمیده شدن آنها یا وضع قانون توسط دیگران (برای این گروه‌ها) تاثیرات ملموس و واقعی داشته باشد. این امر تا حدی به اهمیت رسانه‌های جمعی در داشتن قدرت بازنمایی بر می‌گردد، چرا که از این طریق بعضی از تصاویر و فرض‌ها و گمان‌ها را بیشتر باز می‌نمایند و برخی از تصاویر و فرض‌ها و گمان‌ها را به غیاب می‌راند که نمی‌شود با آنها تعاملی برقرار کرد.

یافته‌های تحقیق

بازنمایی سطوح سه گانه گزارش های (رسانه‌ای ، سیاسی و ایدئولوژیکی) شبکه‌های (الجزیره انگلیسی ، بی بی سی جهانی، سی ان ان ، پرسی تی وی و العالم) قبل از مراسم تنفیذ

سطوح تحلیل گفتمان انتقادی			شبکه
سطح ایدئولوژیک	سطح سیاسی	سطح رسانه‌ای	
<p>_ رویکرد تقابلی سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد با کشورهای منطقه و جهان - بی‌اعتمادی غرب به حاکمیت ایران با توجه به شکاف ۳۴ ساله میان واشنگتن و تهران - گفتمان پان عربیسمی، مخالف تعامل ایران با کشورهای منطقه و حتی</p>	<p>— بازنمایی ناکارآمدی دولت در حوزه اقتصادی — بازنمایی حوزه فرهنگی و اجتماعی دوران اختناق (دوره هشت ساله احمدی‌نژاد) - بازنمایی فقدان آزادی بیان برای فعالیت روزنامه‌نگاران و اهالی فرهنگ و هنر — اتخاذ سیاست غیرتعاملی و رویکرد درهای بسته دولت احمدی‌نژاد و سوق دادن کشور به تهدیدات نظامی — اشاره به انزوای ایران با جامعه جهانی در هشت سال گذشته — تغییر سیاست خارجی ایران در قبال غرب</p>	<p>— بازخوانی منفی اقدامات، سیاست‌ها و رویه‌های دولت‌های نهم و دهم احمدی‌نژاد — بزرگ‌نمایی سیاست‌های سخت‌گیرانه دولت احمدی‌نژاد در قبال مطبوعات و محدود شدن آزادی‌های فردی و اجتماعی — اشاره به اوضاع نابسامان اهالی فرهنگ و سینما — برجسته‌سازی وضع نابسامان و در حال فروپاشی اقتصاد ایران — القاء تشدید فشارها بر مردم — برجسته‌سازی وعده‌های روحانی در شعارهای انتخاباتی (همچون کم‌کردن محدودیت‌های آزادی فردی و اجتماعی،</p>	Aljazeera

سطوح تحلیل گفتمان انتقادی			شبکه
سطح ایدئولوژیک	سطح سیاسی	سطح رسانه‌ای	
مذاکره مستقیم در راستای حل دیپلماتیک مسئله هسته‌ای	به‌ویژه امریکا و بهبود روابط با بریتانیا — آمادگی کاخ سفید برای مذاکره مستقیم با تهران در آینده نزدیک — رأی به روحانی و مشارکت مردم ایران در انتخابات برای تغییر و بازگشت از سیاست‌های دولت قبل — بی‌اعتمادی غرب به شعارهای روحانی و تفاوت نداشتن هر دو (روحانی و احمدی‌نژاد) با نظام — احمدی‌نژاد، فردی بدون پشتوانه هویت سیاسی — بی‌اعتمادی غرب به احمدی‌نژاد به عنوان نماد حاکمیت	حقوق اقلیت‌ها و قومیت‌ها، مخالفت با تعطیلی مطبوعات، مذاکره با اصلاح‌طلبان و تندروها، گام‌های جدید برای ارتقای منزلت ایران براساس منافع ملی و رفع تحریم‌ها، پیش‌گرفتن رویکرد سیاست اعتدال و شفاف‌سازی) — قطب‌بندی کاذب از فضای سیاسی، سطح‌کنشگران سیاسی و مقایسه دولت‌ها — دامن زدن به اختلافات در مسائل ملی نظام همچون هسته‌ای و تلاش برای ایجاد شکاف در سطح داخلی و در سطح خارجی	
-	— خروج سرمایه‌ها از کشور به دلیل رکود فضای کسب کار	- مهاجرت برخی از ایرانیان از کشور و القای پدیده فرار مغزها	BBC world

سطوح تحلیل گفتمان انتقادی			شبکه
سطح ایدئولوژیک	سطح سیاسی	سطح رسانه‌ای	
	<p>— ریسک بالا و ناامن بودن فضای کسب کار برای سرمایه‌گذاران داخلی و سرمایه‌گذاری خارجی</p> <p>— تعارض گفتمانی بین سیاست‌های دولت با سرمایه‌های فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی (نخبگان و سرمایه‌گذاران)</p> <p>— رویکرد عدم تعامل با جامعه بین‌المللی و اتخاذ رویکرد رودرویی با کشورهای غربی و انزوای هر چه بیشتر ایران با جامعه بین‌المللی</p> <p>— نبود آزادی جریان اطلاعات</p> <p>— بازگشایی سفارت انگلیس در تهران به عنوان نمادی از تعامل با جامعه جهانی</p> <p>- تعریف موفقیت تعامل ایران با امریکا از طریق گفتگوهای مستقیم با</p>	<p>— گسست پیوند ایرانیان خارج با داخل به واسطه سیاست‌های دولت احمدی‌نژاد</p> <p>— حمله به سفارت انگلیس در تهران</p> <p>— محدودیت‌های فعالیت بی‌بی‌سی در ایران</p> <p>- بازگشایی سفارت انگلیس در تهران</p> <p>— حاکمیت تندروها بر مجلس</p>	

سطوح تحلیل گفتمان انتقادی			شبکه
سطح ایدئولوژیک	سطح سیاسی	سطح رسانه‌ای	
	<p>واش‌نگتن در گرو نحوه تعامل با انگلیس - تعریف رژیم گفتمانی تعامل ایران با جامعه جهانی از طریق امریکا و انگلیس — سنجش و ارزیابی موفقیت‌های روحانی در عملیاتی کردن شعارهایش — پیوندزدن پیشرفت ایران در تعامل با غرب در قالب گفتمان «وابستگی، سلطه و محکوم» — پیوند پا شنه دولت جدید برای رهایی از شرایط کنونی در سیاست خارجی دولت و نه ظرفیت‌های درون‌زای کشور — رهبری و مجلس تندرو، دو مانع عمده پیش روی برنامه‌های دولت روحانی و القای برگزاری رفراندوم قانون اساسی</p>		
-	<p>— گفتمان سکوت و کنش انتظاری</p>	<p>— گفتمان سکوت و کنش انتظاری</p>	CNN

سطوح تحلیل گفتمان انتقادی			شبکه
سطح ایدئولوژیک	سطح سیاسی	سطح رسانه‌ای	
<p>- مسئول بودن در قبال آرای مردم به‌مثابه حق‌الناس - رقم خوردن حماسه سیاسی با پشتیبانی مردم، پیرو نظام و ولایت فقیه بودن آنها</p>	<p>— بازنمایی مشارکت سیاسی مردم در انتخابات به مثابه مردم‌سالاری — پیش‌تیبانی و در صحنه بودن مردم عامل موفقیت دولت‌های قبلی و کنونی — موفقیت برنامه‌های دولت در بعد سیاسی و اقتصادی در گرو پشتیبانی مردم - ضرورت تعامل سازنده دولت با رهبری (روحانیت) و مردم به‌عنوان دو بازوی آن — حاکمیت و تاثیر- گذاری لابی صهیونیسم در سیاست‌های دولت‌های آمریکا در دشمنی با نظام جمهوری اسلامی — رویکرد دوگانه غرب در خصوص موضوع هسته‌ای ایران و زرادخانه‌های رژیم اسرائیل</p>	<p>- تاکید بر حماسی سیاسی ملت ایران در انتخابات — مقابله با تحریم‌های امریکا و تلاش‌های این کشور برای منزوی و گوشه‌گیر کردن ایران — استقبال نخست‌وزیر اسرائیل از تحریم‌ها علیه ایران — اسرائیل تنها دارنده زرادخانه هسته‌ای (سلاح‌های هسته‌ای) در خاورمیانه</p>	<p>PRESS TV</p>

سطوح تحلیل گفتمان انتقادی			شبکه
سطح ایدئولوژیک	سطح سیاسی	سطح رسانه‌ای	
	<p>— مذاکرات و شعار حمایت از دموکراسی در ایران، مکانیسم راست‌آزمایی ایران در قبال چند کشور غربی — تاکید بر بی‌اعتمادی ایران به چند کشور غربی با توجه به اقدامات گذشته آنها.</p>		
<p>— اتخاذ رویکرد واحد در قبال مسائل جهان اسلام و دشمنان امت اسلامی از جمله رژیم اسرائیل</p>	<p>— رویکرد واکنشی در پاسخگویی به بازنمایی رسانه‌های غربی — خط بطلان بر اجماع تصنعی رسانه‌های غربی در خصوص اجماع جهانی و دور افتادن ایران از جامعه جهانی — تاکید بر برقراری دموکراسی واقعی فقط در ایران در بین کشورهای منطقه و تلاش برای تبدیل به الگویی بدیل — پیام جدی مشارکت مردم در انتخابات به مجامع بین‌المللی: تعیین سرنوشت</p>	<p>— برجسته سازی حضور سیاستمداران ۶۰ کشور جهان در مراسم تنفیذ — مشارکت ۷۳ در صدی مردم در انتخابات به مثابه دموکراسی منحصر به فرد — تلاش غرب در سانسور دموکراسی آشکار در ایران — تسلط روحانی بر پنج زبان جهان (عربی، انگلیسی، فرانسه، آلمانی و روسی) — جایگاه ایران در ابعاد مختلف (در منطقه، محور مقاومت بودن، ریاست بر غیرمتعهدها، توان استراتژیک، ژئواستراتژیک و</p>	Alalam

سطوح تحلیل گفتمان انتقادی			شبکه
سطح ایدئولوژیک	سطح سیاسی	سطح رسانه‌ای	
	<p>مردم به دست خود و حضور پرنگ در صحنه انقلاب و نظام</p> <p>- مهارت روحانی و آشنا بودن وی به حساسیت پنج کشور غربی با توجه به تجربه سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۵ در مسئولیت ریاست گروه مذاکره‌کننده ایران در مذاکرات هسته‌ای</p> <p>— ضرورت احترام دوجانبه و دخالت نکردن در امور داخلی و توقف سیاست‌های یک جانبه امریکا در منطقه</p> <p>— اشاره به حذف تحریم‌ها به عنوان پیش شرط ورود ایران به مذاکره با امریکا</p> <p>— اعتدال در قالب چند صدایی همراه با قانونمداری در حوزه سیاست داخلی</p>	<p>ژنرال پولو تیک، گفتمان امت اسلامی)</p> <p>— فلسطین «زخم عمیقی در جسم امت اسلام»</p> <p>— لزوم به رسمیت شناختن حق هسته‌ای ایران و حذف تحریم‌های ظالمانه</p> <p>— وعده گشایش همه احزاب و جریان‌ها اعم از اصلاح طلب و اصولگرا</p>	

بازنمایی سطوح سه گانه گزارش های (رسانه‌ای ، سیاسی و ایدئولوژیکی) شبکه‌های (الجزیره انگلیسی ، بی بی سی جهانی، سی ان ان ، پرسی تی وی و العالم) بعد از مراسم تنفیذ (تا تحلیف)

سطوح تحلیل گفتمان انتقادی			شبکه
سطح ایدئولوژیک	سطح سیاسی	سطح رسانه‌ای	
<p>— تضعیف جایگاه ولایت فقیه و خبرگان رهبری</p> <p>— «تقابل گفتمانی» بین دولت روحانی با رهبری نظام در قالب گفتمان جدایی دین از سیاست</p>	<p>— بازنمایی چشم‌انداز آتی ایران و رئیس‌جمهور یازدهم در قالب سناریوی گفتمانی «گزینه‌های محدود»</p> <p>— متهم کردن ایران به دخالت در حوادث منطقه در قالب برچسب دخالت ایران در تحولات سوریه</p> <p>— سناریوی قطب‌بندی کاذب اختلاف نظرهای داخلی در حد سران و مسئولان عالی رتبه نظام برای القای سطح تنش</p> <p>— تقلیل جایگاه رهبری نظام و مجلس خبرگان</p> <p>— قطب‌بندی کاذب بازیگران و کنشگران سیاسی از سطوح پایین به سطوح مقامات عالی به‌ویژه رهبری نظام و رئیس‌جمهور</p> <p>— «تقابل گفتمانی» بین دولت روحانی با رهبری نظام</p> <p>— قطب‌بندی و شکاف بین دولت و مردم، بی‌اعتمادی مردم و پیوند آن به بی‌اعتمادی غرب به نظام جمهوری اسلامی</p> <p>— پیوند مطالبات مردم و یکسان دانستن آنها با خواسته‌های گروه‌های اپوزیسیون و معاندان خارج کشور</p> <p>— نداشتن اراده و تعیین‌کننده نبودن روحانی در تغییر سیاست‌های کلان</p>	<p>— متفاوت بودن برنامه کاری دولت روحانی با هشت سال دوره احمدی‌نژاد</p> <p>— درگیر جنگ نشدن ایران در حوزة خارجی</p> <p>— انتخاب نشدن رهبری با رأی مردم</p> <p>— موعده زمانی ۱۰۰ روزه دولت روحانی، مبنای سنجش سخنان و اقدامات دولت</p> <p>— اجازه دادن به-گفتمان‌های خاموش همچون گروه‌های اپوزیسیون خارج</p> <p>— اختیارات و آزادی عمل روحانی در مذاکره با امریکا در موضوع هسته‌ای</p>	Aljazeera

سطوح تحلیل گفتمان انتقادی			شبکه
سطح ایدئولوژیک	سطح سیاسی	سطح رسانه‌ای	
	<p>- محدود بودن اختیارات رئیس‌جمهوری در موضوعات خط قرمز</p> <p>- رهبری نظام، مانع پیشروی دولت آتی در سیاست داخلی و خارجی</p>		
<p>- تعریف نشدن هیچ پروتکلی در حوزه خارج از دیپلماسی یا در محدوده دیپلماسی سیاسی به مثابه رژیم گفتمانی در موضوع هسته‌ای</p> <p>— غیر قابل بحث بودن گفتمان ایدئولوژیک فتوای رهبری برای غرب در موضوع هسته‌ای</p>	<p>- ترجیح منافع حزبی فردی و سلیقه‌ای بر منافع ملی در دولت احمدی‌نژاد</p> <p>— تعامل نداشتن با جامعه بین‌المللی و تحت‌الشعاع قرار گرفتن تحریم‌ها در زندگی مردم عادی</p> <p>— زیر سوال رفتن عزت مردم ایران در جامعه بین‌المللی</p> <p>— القای نقش مثبت برخی از اعضای کابینه در تعامل با غرب به‌عنوان عامل میانجی (توجه به سوابق گذشته‌شان)</p> <p>— برجسب عملگرا، میانه‌رو و اصولگرا به روحانی</p> <p>— رویکرد جنبش سبزی نداشتن در تقابل با رهبری یا روی نظام ناپیستان از سوی روحانی و تردید غرب به شعارهای روحانی</p> <p>— پایبند نبودن ایران به تعهدات بین‌المللی</p> <p>— همراه خوب بودن امریکا با ایران در گروه‌تن دادن ایران به مطالبات و خواسته‌های امریکا</p> <p>- بی‌اعتمادی غرب به تهران</p>	<p>— برجسته‌سازی سیاست دولت در حوزه داخلی (ازجمله قانونگرایی و اجماع ملی در تعاملات سیاسی)</p> <p>— نگرانی مردم از وضعیت اقتصادی</p> <p>— بزرگ‌نمایی مطالبات در قالب زندگی بهتر و عزت</p> <p>— مرد تماس، مردان و زنان تماس در قالب دیپلماسی سیاسی</p> <p>— بازنمایی هویت سیاسی روحانی در قالب تعارض گفتمانی با احمدی‌نژاد</p> <p>— جنبش سبزی، چالشی برای روحانی و واکنش کاخ سفید به سخنان روحانی</p>	<p>BBC world</p>

سطوح تحلیل گفتمان انتقادی			شبکه
سطح ایدئولوژیک	سطح سیاسی	سطح رسانه‌ای	
	<p>— ضرورت مقابله با برنامه‌های هسته‌ای ایران</p> <p>— اعتماد نکردن به حرف هیچ سیاستمدار</p> <p>— ارزیابی سخنان روحانی با ابزارها و مکانیسم بین‌المللی (ارزیابی محتوای مقاله روحانی در مجله تایم — ۹ می ۲۰۰۶ — با سخنان کنونی وی)</p> <p>— خو شبین بودن غرب به روحانی به مفهوم اعتماد به وی نیست</p> <p>— آشفته نشان دادن وضعیت اقتصادی ایران در پیوند با موضوع هسته‌ای و تاثیرگذاری تحریم‌ها</p> <p>— منوط کردن خارج شدن اقتصاد ایران از وضع کنونی در گفتمان بیرونی و تعامل با جامعه جهانی در قالب توافق هسته‌ای با غرب</p> <p>- برخوردار نبودن سیاست‌های یک‌سویه حاکمیت از پشتیبانی مردم (بازی با سرنوشت جامعه)</p> <p>- تفاوت نداشتن روحانی با سلف خود</p> <p>— بی‌نتیجه بودن دورزدن تحریم‌ها با کشورهای آسیایی در قالب مبادلات پایاپای</p> <p>— بازنمایی کشورهای درگیر با تحریم ایران در قالب ائتلاف و جامعه جهانی</p> <p>— احیای ژاندارمی ایران در منطقه همچون گذشته در قالب اقتصادی (استعاره آلمان خاورمیانه)</p>	<p>— سلاح هسته‌ای ایران، عامل بی‌ثباتی منطقه</p> <p>- شکل‌گیری مسابقه تسلیحاتی و هدر رفتن منابع کمیاب منطقه (گفتمان تاریخی-تطبیقی)</p> <p>— فلج شدن اقتصاد ایران (فقط به خاطر تحریم‌ها)</p> <p>— تعارض گفتمانی بین مردم و حاکمیت در خصوص برنامه‌های هسته‌ای</p> <p>— بازنمایی مثبت شخصیت، جایگاه و سوابق گذشته روحانی - بازنمایی گفتمان دوگانه از شخصیت و جایگاه روحانی نسبت به گذشته</p> <p>— توافق ایران با آمریکا در قالب مذاکره</p> <p>— گفتمان غرب بر متوقف کردن غنی‌سازی</p>	CNN

سطوح تحلیل گفتمان انتقادی			شبکه
سطح ایدئولوژیک	سطح سیاسی	سطح رسانه‌ای	
	— اشاره نکردن به حق ایران بر اساس ان پی تی		
— تجلی مردم‌سالاری اسلامی در قالب مشارکت در انتخابات و تعیین سرنوشت خود	— «احترام متقابل و منافع ملی» در سیاست خارجی — پیوند زدن مشارکت بالای مردم در انتخابات به اعتماد مردم به نظام جمهوری اسلامی و وفادار بودن آنها به آرمان‌های نظام — سهیم بودن مردم در مدیریت کشور از طریق انتخابات — انگاره‌سازی انتخابات به مثابه نمایش بزرگ دموکراسی — تأثیر افراط‌گرایی در بروز برخی رویدادها در دولت‌های گذشته	— برجسته‌سازی و انگاره‌سازی «میان‌رو» بودن روحانی — بزرگ‌نمایی مشارکت بالای مردم در انتخابات — برجسته‌سازی شعارهای دولت یازدهم در سیاست خارجی — تأکید بر پشتیبانی مقام معظم رهبری و مردم از دولت گذشته و کنونی و عاملی مهم در پیشرفت آنها	PRESS TV
— در اولویت قرار داشتن تعامل سازنده ایران با کشورهای منطقه به ویژه براساس مشترکات دینی و عقیدتی	— آسیب دیدن فضای تعاملی بین قوا در دوره احمدی‌نژاد — پیش‌بینی تعامل سازنده دولت با سایر قوا — تأکید بر جدایی‌ناپذیری جزایر (ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک) از ایران بر اساس مستندات تاریخی — تهدید نبود ایران برای کشورهای منطقه در ادوار تاریخی و در آینده — غیرقابل پذیرش بودن حضور بیگانگان و دخالت در امور داخلی کشورهای منطقه	— نگاه مثبت به انتخابات دوره یازدهم و پیروزی روحانی و فضای شکل گرفته — بازنمایی تعامل سازنده بین قوای سه‌گانه به ویژه قوای مقننه و مجریه — پاسخگویی به جریان‌سازی‌های رسانه‌های عربی به برخی از ادعاها (جزایر تنب کوچک و...) — گفتمان	Alalam

سطوح تحلیل گفتمان انتقادی			شبکه
سطح ایدئولوژیک	سطح سیاسی	سطح رسانه‌ای	
	<p>— ناموفق بودن تلاش‌های غربی برای ایجاد شکاف بین حاکمیت و مردم از طریق اهرم تحریم</p> <p>- مشارکت در انتخابات، پیام ناکارآمدی تحریم‌های غرب و توقف فشارها</p> <p>— ادارک نادرست غرب از جامعه و افکار عمومی ایران</p>	<p>صلح‌آمیز بودن برنامه‌های هسته‌ای ایران</p> <p>— اشاره به بی‌نتیجه بودن تحریم‌ها علیه ایران</p> <p>— مشارکت گسترده مردم در انتخابات و مذاکره با ایران در خصوص موضوع هسته‌ای از موضع برابر و گفتگوی عادلانه</p>	



بازنمایی سطوح سه گانه گزارش های (رسانه ای ، سیاسی و ایدئولوژیکی) شبکه های
 (الجزیره انگلیسی ، بی بی سی جهانی ، سی ان ان ، پر سی تی وی و العالم) بعد از مراسم
 تحلیف
 بعد از مراسم تحلیف

سطوح تحلیل گفتمان انتقادی			شبکه
سطح ایدئولوژیک	سطح سیاسی	سطح رسانه‌ای	
<p>قابل تصور نبودن تعامل سازنده با رویکرد پان عربیسمی بین کشورهای منطقه و سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی و در سطح جهانی</p>	<p>- بازنمایی متفاوت بودن گفتمان اعتدال گرایی و توازن میان آرمان گرایی و واقع گرایی دولت روحانی در مقایسه با گفتمان عدالت احمدی نژاد - ترسیم چهره اعتدالی از اصلاح طلبان و کابینه اصلاح طلبی روحانی - آمادگی کاخ سفید برای تعامل با ایران با شرط و شروط در راستای غیرقابل اعتماد بودن ایران - پنهان کردن نارضایتی الجزیره از آغاز تعامل ایران و واشنگتن - عدم اعتماد غرب نسبت به فتوای رهبر ایران و جریان اختلاف افکنی در سطح مقامات عالی برای رسیدن به اهداف سیاسی و تاثیر گذاری بر رویکرد جدید در فضای شکل گرفته</p>	<p>— ضرورت کاهش تصدی گری دولت - کاستن از دخالت دولت در حوزه اقتصادی و فرهنگی و زندگی مردم — معرفی اسحاق جهانگیری به عنوان یک سیاستمدار اصلاح طلب — جدی نبودن ایران برای حل مسئله هسته‌ای — برجسته سازی دیدگاه های مقامات اسرائیلی در قالب گفتمان ایهام و مخالف مذاکره — بزرگنمایی دیدگاه های تند و افراطی رژیم اسرائیل و مخالفان کنگره</p>	<p>Aljazeera</p>

سطوح تحلیل گفتمان انتقادی			شبکه
سطح ایدئولوژیک	سطح سیاسی	سطح رسانه‌ای	
	<p>— اشاره به رویکرد غیرعقلایی دولت قبلی</p> <p>— برخوردار نبودن دستگاه دیپلماسی دولت جدید از اختیارات تام در موضوع هسته‌ای</p> <p>— پایان دادن دغدغه‌های جهانی از راه تعامل با ایالات متحده</p> <p>— عمیق بودن بی‌اعتمادی امریکا و ایران به یکدیگر</p> <p>— شنیده نشدن صدای واحد از امریکا</p> <p>— حذف تحریم‌ها یا موافقت اولیه</p> <p>— شرط ورود به مذاکرات از موضع برابر از سوی ایران</p> <p>— نگاه غرب و نمایندگی از جامعه بین‌المللی از دریچه امریکا به مسائل ایران به‌ویژه در موضوع هسته‌ای</p> <p>— تعریف رژیم گفتمانی فراقانونی فراتر از حق وتوی از جایگاه بین‌المللی برای تحریم بیشتر ایران</p> <p>— متهم کردن ایران در حمایت از گروه‌های تروریستی و پیوند موضوع هسته‌ای و مذاکرات به مسائل دیگر همچون تحولات سوریه، لبنان و...</p>	<p>— برجسته‌سازی گفتمان دولت روحانی مبنی بر «گفتگو و شفافیت» در موضوع هسته‌ای</p> <p>— تعاملات غیررسمی و غیرموثر دولت احمدی‌نژاد با امریکا</p> <p>— نتایج انتخابات، فرصتی خوب برای پایان دادن به دغدغه‌های جامعه جهانی به خصوص بر نام‌های هسته‌ای ایران</p> <p>— آمادگی کاخ سفید برای مذاکره و استقبال محتاطانه و اشنگتن از روحانی</p> <p>— گفتگو از موضع برابر</p> <p>— فرصت شش‌ماهه برای اثبات شعارهای گفتگو</p> <p>— تصمیمات کنگره امریکا برای تحریم صنعت نفت ایران و</p>	BBC world

سطوح تحلیل گفتمان انتقادی			شبکه
سطح ایدئولوژیک	سطح سیاسی	سطح رسانه‌ای	
		حمایت ایران از جنبش- های حزب الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی فلسطین	
	<p>— ادارک ایران مبنی بر بی‌نتیجه بودن دور زدن تحریم‌ها از طریق مبادله پایپای</p> <p>— تعامل با کشورهای مهم، ضرورت حیات اقتصادی فعال و پویا در سطح منطقه‌ای و جهانی</p> <p>— قابل تصور نبودن راهی غیر از گفتگو با جامعه جهانی و همسوسدن با آنها برای ایران</p> <p>— سیاست‌های مبتنی بر صلح روحانی در مذاکرات</p> <p>— پاسخگویی به خواسته‌ها و همراهی با غرب، عامل تسریع تبدیل ایران به ژاندارم سابق منطقه با رویکرد اقتصادی و ورود به کلوپ اقتصادی جهان و تردید غرب نسبت به راهبرد و شعار دولت جدید</p>	<p>— اثر گذاری و تشدید تحریم‌ها</p> <p>— حضور مقامات ۴۰ کشور در مراسم تحلیف روحانی، نمادی از تغییر و علامتی امیدبخش</p> <p>— قرینه‌سازی ایران با آلمان</p> <p>— شرط‌های قبل از مذاکره امریکا و ۵+۱ بر غنی‌سازی اورانیوم در خارج از ایران</p>	CNN
<p>— تعامل ایران با کشورهای منطقه به‌ویژه همسایگان براساس رهیافت‌های مشترک دینی و فرهنگی</p>	<p>— خط بطلان بر تز و سنتز گفتمان منزوی شدن ایران از جامعه بین‌المللی</p> <p>— عدم تمایل اروپا در دنباله‌روی از سیاست‌های تحریمی امریکا در قبال ایران</p> <p>— هزینه‌بر بودن دنباله‌روی از امریکا برای کشورهای اروپایی در روابط تجاری با ایران</p>	<p>— برجسته سازی حضور بی سابقه مقامات عالی‌رتبه کشورهای خارجی در مراسم تحلیف</p> <p>— برجسته سازی حضور رؤسای کشورهای همسایه از جمله پاکستان و افغانستان و مسئول</p>	PRESS TV

سطوح تحلیل گفتمان انتقادی			شبکه
سطح ایدئولوژیک	سطح سیاسی	سطح رسانه‌ای	
		سیاست خارجی سابق اتحادیه اروپا	
تعامل ایران با کشورهای منطقه براساس رهیافت‌های مشترک دینی و فرهنگی	— نامطلوب بودن تعامل بین قوای سه‌گانه در دولت احمدی‌نژاد — بازنمایی سیاست خارجی کشور در قالب «سیاست باز» - تاکید بر قانونمندی و تعامل بین قوای سه‌گانه در حوزه داخلی — واقعی نبودن معیارهای تعهدات چند کشور غربی به مثابه رژیم حقیقت جامعه بین‌المللی پذیرفته شده - تاکید بر ایجاد شکاف در رابطه لابی صهیونیسم امریکا در بلندمدت	— برجسته‌سازی اصول سیاست خارجی دولت یازدهم — بزرگنمایی گفتمان دولت یازدهم در حوزه داخلی (تاکید بر حاکمیت قانون)	Alalam

تحلیل و تبیین بازنمایی گفتمان انتقادی شبکه الجزیره انگلیسی قبل از مراسم تنفیذ رئیس‌جمهور هفتم

شبکه الجزیره انگلیسی در گفتمان گزارش‌های خبری قبل از مراسم تنفیذ در حوزه سیاست داخلی و خارجی ضمن بازخوانی منفی اقدامات، سیاست‌ها و رویه‌های دولت‌های احمدی‌نژاد را «سال‌های پرتلاطم» در طول هشت سال، بازنمایی می‌کند. «او وعده داده است که رویکردی متفاوت با رئیس‌جمهور قبلی، محمود احمدی‌نژاد، داشته باشد اما او با چالش‌هایی عظیم روبروست مانند فروپاشی اقتصادی ایران و همچنین تحریم‌های فلج‌کننده آلت.»

- 2 . Crumbling economy 2
3 . Gipping sanctions 3

الجزیره همچنین در ترسیم فضای گفتمانی داخلی در مولفه های اجماع، به برجسته سازی وضع نابسامان اقتصاد کشور و در حال فروپاشی آن، با رویکرد کلی گویی و همچون افزایش نرخ تورم، بیکاری، کاهش ارزش پول ایران و تشدید فشارها بر مردم در حوزه اقتصادی و اشاره به سیاست های سختگیرانه دولت احمدی نژاد در قبال مطبوعات، تعطیلی ۲۰ روزنامه، محدود شدن آزادی های فردی و اجتماعی و تاکید بر اوضاع نابسامان اهالی فرهنگ و سینما همچون اوضاع فیلمسازان و کارگردانان معروف ایرانی در حوزه فرهنگی و اجتماعی دورانی به مثابه اختناق بازنمایی می کند و تلوینها سنتز گفتمانی فقدان آزادی بیان برای فعالیت روزنامه نگاران و همچنین فضای بسته برای اهالی فرهنگ و هنر را به مخاطبان تلقین و تداعی می کند. « کیوان کثیریان روزنامه نگار : سابقه اش را داشتیم در ایران. ما این را در دولت اصلاح طلب آقای محمد خاتمی تجربه کردیم. ۱۹ یا ۲۰ روز نامه فقط در یک روز تعطیل شدند. دولت نمی خواست این طور شود ولی قوه قضائیه و ارگان های دیگر این کار را انجام دادند. دولت فقط می تواند فضا را کمی بازتر کند و درباره آزادی ها صحبت کند. ». « فرشته طائرپور: اوضاع بهتر نشد. اوضاع برای فیلمسازان و کارگردانان معروف ایرانی بهتر نشد همانطور که مشاهده کردیم، بعضی از آنها دیگر فیلم نمی سازند و یا اینکه فیلم هایی که ساختند اکران نشد. با توجه به برخوردی که با آنان شد، برای اینکه حرمت و استقلال خودشان را حفظ کنند، آنها ترجیح دادند که دیگر فیلم نسازند. «در حوزه سیاست خارجی الجزیره بر سیاست غیر تعاملی و رویکرد درهای بسته دولت احمدی نژاد با جامعه بین المللی و عدم همراهی وی با نهادها و سازمان های بین المللی بویژه در موضوع هسته ای و پیامدهای آن همچون رقم زدن تحریم ها، هزینه های زیادی را بر مردم ایران بازنمایی می کند. حتی این رویکرد دولت در برخی از مقاطع کشور را در معرض تهدیدات نظامی با توجه به رویکرد عدم تعامل با جامعه بین المللی سوق داد.

«حسن هانی زاده کارشناسی مسائل سیاسی : در واقع اختلاف نظر بین دو کشور (ایران — آمریکا) خیلی شدید بوده مسئله دشمنی آشکار آمریکا با ملت ایران درباره مسائل منطقه ای مثل سوریه، عراق و افغانستان. اگر در آینده مذاکرات

مستقیم (بین ایران و آمریکا) آغاز شود، این مذاکرات خیلی چالش‌انگیز (چالشی) خواهند بود. با توجه به وضعیت فعلی، به نظر نمی‌رسد که در آینده نزدیک مذاکرات مستقیم برگزار شود. »

الجزیره با بازنمایی گفتمانی منفی از دولت احمدی نژاد، در حوزه سیاست داخلی و خارجی تلاش کرد رویکرد کاملاً متفاوتی از گفتمان دولت یازدهم در مقایسه با دولت احمدی نژاد در شعارهای انتخاباتی روحانی از جمله وعده‌های روحانی در شعارهای انتخاباتی با رویکرد مثبت در خصوص بهبود وضعیت اقتصادی، کمتر کردن محدودیت‌های آزادی فردی و اجتماعی، حقوق اقلیت‌ها و قومیت‌ها، مخالفت با تعطیلی مطبوعات، مذاکره با اصلاح‌طلبان، و تندروها، گام‌های جدید برای ارتقای منزلت ایران بر اساس منافع ملی و رفع تحریم‌ها و پیش گرفتن رویکرد سیاست اعتدال و شفاف‌سازی برای مخاطبان تداعی و القاء کند که در حقیقت این رویه گفتمانی بخشی از گفتمان قطب‌بندی کاذب ارزیابی و استنباط می‌شود.

گفتمان هویتی الجزیره نیز بخشی از فرایند گفتمان انتقادی الجزیره که مقایسه شخصیت روحانی و احمدی نژاد است که وی را فردی فرهیخته نسبت به سوابق گذشته‌اش و همچنین گمانه‌زنی‌ها در انتخاب افراد کاردان و متخصص در کابینه و حامیان وی همچون هاشمی و خاتمی در مقایسه با کابینه نهم و دهم، وی را فردی بدون پشتوانه هویت سیاسی برای مخاطبان ترسیم می‌کند.

شبکه الجزیره در قطب‌بندی گزارش‌ها در نحوه توصیف و معرفی «خود» یا ارزش‌های منتسب به خود و توصیف «دیگری» و یا ارزش‌های منتسب به دیگران برای دو قطبی کردن ایدئولوژیک در مورد نیروها و گروه‌های مختلف در بعد داخلی کنشگران جامعه ایران، دولت روحانی و وزرای احتمالی معرفی شده برای کابینه که قبلاً در کابینه دولت هاشمی بودند را جزء افراد در جبهه خودی توصیف می‌کند، و محمود احمدی نژاد و قوه قضائیه را در جبهه گروه «دیگری» قرار می‌دهد. در حوزه خارجی نیز رژیم اسرائیل، کاخ سفید (با توجه به فرستادن پیام‌های گفتگو با تهران در دوره احمدی نژاد) و اوباما را (بخاطر امضاء نکردن تحریم‌های تصویب شده از سوی مجلس نمایندگان) در قطب‌بندی جز گروه‌های خودی توصیف می‌کند. به عنوان مثال:

«نخست‌وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیاهو، در مصاحبه با تلویزیون آمریکا در قالب هشدار به احمدی نژاد پخش شد: «استراتژی او این است که یک گرگ در لباس گوسفند باش استراتژی او این است: «بخند و بمب اتمی بساز.»

بخش دیگری از رهیافت گفتمانی در مقوله استنباط‌باز شدن درهای گفتگو با غرب با توجه به وعده‌های انتخاباتی روحانی در قالب پیش فرض اینگونه استنباط می‌شود که در دلالت‌های تلویحی الجزیره در بعد تلقین این رهیافت گفتمانی به مثابه سنتزی استنباط می‌شود که مردم ایران برای تغییر به روحانی و بازگشت از سیاست‌های دولت قبل در انتخابات و رای به روحانی مشارکت کردند.

الجزیره در بخشی از گفتمان بازنمایی دیدگاه غرب، صریحا به بی‌اعتمادی غرب بر احمدی نژاد تاکید می‌کند درعین حال در خصوص روحانی نیز بر این پیش فرض تاکید می‌کند که با توجه به سوابق وی و مذاکراتش با مقام‌های اروپایی خوشبین است، البته این خوشبینی مبتنی بر اعتماد نیست. به عنوان مثال: «آمریکا می‌گوید که «همه گزینه‌ها روی میز است». «بنیامین نتانیاهو: استراتژی او این است که یک گرگ در لباس گوسفند باش استراتژی او این است: «بخند و بمب اتمی بساز»^{۱۴}

در بعد واژگانی نیز واژه‌های «تندروها، تقلب، غیبت محمد خاتمی» و جنبش اصلاح طلبان در راستای اشاره به اشخاص، گروه‌ها و روابط اجتماعی و ساختار قدرت و نقش هر کدام در معادلات سیاسی ایران بنابر نوع گفتمان و بافت فرهنگی اجتماعی که بیشتر منشاء ایدئولوژیک دارند از این واژگان برای القای سیاست‌های رسانه‌ای و ترسیم قطب‌بندی‌های کاذب برای بهره‌برداری سیاسی در راستای پیشبرد اهداف رسانه‌ای بهره گرفته است.

در مجموع با توجه به گزاره‌های اصلی الجزیره قبل از مراسم تنفیذ روحانی این شبکه ضمن فلش بک به دو دوره سیاست‌های احمدی نژاد و بازخوانی آنها در حوزه سیاست داخلی و خارجی به عنوان سال‌های تلاطم، در قالب گفتمان تاریخی، ضمن بازنمایی مثبت از پایان یافتن دوره و سیاست‌های دولت احمدی نژاد و استقبال غرب از روی کار آمدن دولت روحانی و با توجه به شعارهای وی مبتنی بر تغییر و تحول در

این حوزه‌ها و بازنمایی رای مردم روحانی به مثابه رای به تغییر سیاست‌های احمدی نژاد بازنمایی می‌شود. این شبکه بر این سنتز گفتمانی تاکید می‌کند که غرب همچون گذشته ضمن آمادگی برای گفتگو با ایران، اکنون با روی کار آمدن روحانی بویژه مذاکره در خصوص برنامه هسته‌ای آنهم از طریق دیپلماتیک آمادگی و نسبت به شعارهای وی امیدوار و استقبال می‌کند. با این رهیافت قبل از آغاز کار دولت جدید ضمن فلش بک به سیاست‌های منفی مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان بر اجرایی نشدن سیاست‌های دولت خاتمی، با توجه به حاکمیت تندروها بر مجلس و شورای نگهبان بر پیشرو داشتن چالش‌های عمده آتی دولت روحانی در حوزه سیاست داخلی و خارجی تاکید دارد. بر این اساس الجزیره در سطح رسانه‌ای در حوزه داخلی تلاش می‌کند یک نوع قطب‌بندی کاذب از فضای سیاسی از سطح کنشگران سیاسی و مقایسه دولت‌ها، وضع نابسامان اقتصادی کشور و..... ترسیم کند، در سطح سیاسی نیز تلویحا از گزارش‌های این شبکه اینگونه استنباط می‌شود که هیچ فرقی بین دولت احمدی نژاد و روحانی نخواهد بود، بویژه که صراحتاً بر بی‌اعتمادی غرب بر احمدی نژاد به عنوان نماد حاکمیت تاکید می‌کند. همچنین بر این موضوع تاکید دارد که غرب بر شعارهای مطرح شده روحانی نگاه خوشبینانه دارد ولی به وی نیز اعتماد ندارد. از سوی دیگر این بی‌اعتمادی در سطح سوم در سطح حاکمیتی از گفتمان ایدئولوژیک قابل استنباط است که غرب نیز به حاکمیت ایران با توجه به شکاف ۳۴ ساله واشنگتن و تهران و آمریکا به عنوان نماینده غرب در هدایت موضوع هسته‌ای بی‌اعتماد است. در عین حال الجزیره با برجسته سازی و تلاش در قطب‌بندی‌های سیاسی کاذب با رویکرد رسانه‌ای در بعد داخلی و دامن زدن به اختلافات در مسائل ملی نظام همچون هسته‌ای و تلاش بر ایجاد شکاف در سطح داخلی و در سطح خارجی با رویکرد الترناٹیو در برجسته‌سازی دیدگاه‌های غرب، تلویحا گفتمان پان عربیسمی مخالف تعامل ایران با کشورهای منطقه و حتی مذاکره مستقیم در راستای حل دیپلماتیک مساله هسته‌ای برداشت می‌شود.

تحلیل و تبیین بازنمایی گفتمان انتقادی شبکه الجزیره انگلیسی بعد از

مراسم تنفیذ (تا تحلیف) رئیس جمهور هفتم

شبکه الجزیره در گفتمان گزارش های خبری بعد از برگزاری مراسم تنفیذ رئیس جمهوری شعارهای انتخاباتی روحانی را به مثابه گام های مثبت در سطح گفتمان رسانه ای ارزیابی می کند. این رسانه ضمن طرح پیشنهادات یا توصیه های گفتمانی برای دولت روحانی همچون تاکید بر آرای مردم، متفاوت بودن برنامه کاری دولت وی با هشت سال دوره محمود احمدی نژاد، چشم انداز آتی ایران و رئیس جمهور یازدهم را در قالب سناریوی گفتمانی «گزینه های محدود» بازنمایی می کند.

الجزیره همچنین در کنار گفتمان تلویحی برجسب دخالت ایران در تحولات سوریه، سناریوی قطب بندی کاذب اختلاف نظرهای داخلی را تا حد سران و مسئولان عالی رتبه نظام برای القای سطح تنش برجسته سازی می کند به گونه ای که وضعیت کنونی کشور را تلویحا در شرایط بحرانی تداعی و القاء می کند و در عین حال تلاش می کند تا جایگاه رهبری نظام را با برجسته کردن اینکه با رای مردم انتخاب نشده تقلیل دهد و در عین حال این سنتز گفتمانی را نتیجه گیری می کند که با توجه به شرایط کنونی کشور و انتخاب نشدن وی از سوی مردم و با توجه به مشکلات پیشروی کشور رهبری چاره ای جز همسویی همراهی و همسویی با سیاست های دولت روحانی در این مقطع کنونی ندارد.

این شبکه در سطح گفتمان رسانه ای خود می کوشد وعده های دولت روحانی را برجسته سازی کند و در کنار آن سطح انتظارات و مطالبات مردم را افزایش دهد که این موضوع البته با برجسته کردن و کلی گویی مسائل و مشکلات پیشروی کشور در قالب خرده گفتمان دنبال می شود.

در بعد خارجی الجزیره برای مشروعیت بخشی به سنتز عدم شکل گیری مذاکره غرب با ایران استنباط می شود القای بی اعتمادی غرب، یعنی شعار با عمل یکی نیست. از سوی دیگر این شبکه با اجازه دادن به گفتمان های خاموش چون گروه های اپوزیسیون خارج از کشور پیوندی بین آنها و روحانی ایجاد کند که امثال مهرداد خوانساری رهبر اپوزیوسیون چشم امید به اقدامات روحانی دارند، ولی

سنتزگفتمانی که در نهایت بر آن تاکید دارد مبنی بر اینکه روحانی اراده‌ای در تغییر سیاست‌های کلان ندارد و نقش وی تعیین‌کننده نیست.

در مجموع این شبکه در مقابل آمادگی آمریکا برای مذاکره با ایران در خصوص هسته‌ای، با «درهای باز» ضمن اشاره تلویحی به خواست‌های غیر متعارف چندکشور در قالب پایان دادن ایران به دغدغه‌های جامعه جهانی بازنمایی می‌کند. هرچند عمل به تعهدات بین‌المللی از سوی ایران تلاش می‌شود در قالب مشروعیت بخشیدن به این اقدام و تن دادن به خواسته‌های آمریکا القاء شود. درمجموع الجزیره تلویحا در یک نگاه پان‌عربیسمی مخالفت خود را با این رابطه، با متهم کردن ایران به دخالت در امور منطقه و همچنین با ایجاد رویکرد دو پهلو و مردد، مخالف برقراری این رابطه بازنمایی می‌کند. الجزیره در سطح گفتمان سیاسی تلویحا در صدد بسط قطب‌بندی کاذب بازیگران و کنشگران سیاسی از سطوح پایین به سطوح مقامات عالی بویژه رهبری نظام و رئیس‌جمهور است. بنابراین در سطح سیاسی می‌کوشد با مقوله انتخابات و آرای مردم در انتخاب رئیس‌جمهوری جایگاه رهبری را تقلیل دهد. درعین حال این رهیافت گفتمانی را نتیجه‌گیری می‌کند که در صورت عمل نکردن به شعارها، مردم اعتماد خود را به روحانی و ودولت وی از دست خواهند داد. همچنین در سطح گفتمان ایدئولوژیک نیز اینگونه از گفتمان تلویحی الجزیره استنباط می‌شود که این رویکرد در راستای تضعیف جایگاه ولایت فقیه و خبرگان رهبری است. بر این اساس نتایج کلی گفتمان الجزیره اینگونه استنباط می‌شود که رسانه می‌کوشد از همان ابتدا یک نوع «تقابل گفتمانی» را بین دولت روحانی با رهبری نظام ترسیم کند و در این راستا تلویحا می‌کوشد تقابل دولت قبلی با رهبری نظام را برای مخاطبان تداعی کند که برخی از مصادیق تلویحی این رسانه در القاء کم بودن اختیارات رئیس‌جمهوری و موضوعات خط قرمزی که رئیس‌جمهور در آن اختیارات ندارد از جمله مذاکره با آمریکا بویژه در موضوع هسته‌ای استنباط می‌شود در مجموع این شبکه تلویحا رهبری نظام را به عنوان مانع پیشروی اقدامات آتی دولت و سیاست‌های آن بازنمایی می‌کند. به عنوان مثال «چقدر روحانی آزادی عمل دارد؟ چقدر رهبر عالی

ایران به او اختیارات و آزادی عمل خواهد داد؟ طول طناب دور گردن آقای روحانی چقدر است؟»^{۱۵}

تحلیل و تبیین بازنمایی گفتمان انتقادی شبکه الجزیره انگلیسی بعد از

مراسم تحلیف رئیس جمهور هفتم

شبکه الجزیره در گفتمان خبری گزارش های بعد از مراسم تحلیف نیز با برجسته سازی رویکرد اعتدال گرایی و توازن میان آرمانگرایی و واقعگرایی در سخنان روحانی می گوید رویکردی متفاوت از وی با احمدی نژاد برای مخاطبان ترسیم کند. همچنین با گفتمان های اجازه داده شده از سخنان روحانی همچون؛ «اعتماد به بخش غیر دولتی، کاهش تصدی گری دولت و تاکید بر اعتماد بر مردم و کاستن از دخالت دولت در حوزه اقتصادی و فرهنگی و زندگی مردم» کوشید چشم اندازی متفاوت از دولت روحانی برای مخاطبان که متفاوت از سیاست ها و رویکردهای دولت احمدی نژاد بازنمایی کند. از سوی دیگر می گوید یک رهیافت مشترک از مردم و دولت را در خصوص چالش های پیش روی دولت و کشور ترسیم کند، مبنی بر اینکه این مسائل در کوتاه مدت غیر قابل حل شدن است. بنابراین گفتمان تلویحی این شبکه عمق فاجعه را در ابعاد مختلف در دولت احمدی نژاد بویژه در حوزه فرهنگی و اقتصادی بازنمایی می کند. البته با ظرافت این برجسب ناکارآمدی دولت را به نظام پیوند و تعمیم می دهد.

الجزیره در ادامه گزارش های تحلیلی ضمن توجه به اعضای معرفی شده از سوی روحانی برای کابینه، بازنمایی اعتدالی از اصلاح طلبان دارد و در این راستا ضمن تمرکز بر اسحاق جهانگیری به عنوان یک سیاستمدار اصلاح طلب برای سمت معاون اولی، چهره ای اعتدالی از اصلاح طلبان و همچنین کابینه اصلاح طلبی روحانی و شخص وی را اصلاح طلب معتدل بازنمایی می کند. البته در سطح گفتمان سیاسی این شبکه تلویحا گفتمان برجسب اصلاح طلبی بر کابینه روحانی می زند.

گر چه الجزیره تلویحا می‌کوشد نارضایتی خود را از آغاز تعامل ایران و واشنگتن پنهان کند و این نارضایتی خود را با برجسته سازی دیدگاه‌های مقامات اسرائیلی در این خصوص از جمله اینکه نتانیاهاو هیچ اعتمادی به رهبر جدید ایران ندارد. « نخست‌وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیاهاو، قبلاً گفته بود که هیچ اعتمادی ب‌رهبری جدید ایران ندارد (یعنی روحانی). »

هر چند الجزیره این موضوع را بصورت دو پهلو به کار می‌برد، مبنی بر اینکه هم به رئیس‌جمهور جدید و سخنان رهبری در خصوص موضوع هسته‌ای که ایران بمب اتمی نمی‌سازد. یا مبنی بر اینکه غرب نسبت به فتوای رهبر ایران نباید اعتماد داشته باشد. از همین رو نارضایتی الجزیره از این تعامل در این گزاره‌ها بیشتر خود را نشان می‌دهد.

«اگر ایران برای حل مساله هسته‌ای جدی باشد». «بر پیغام روحانی به مثابه پیغامی سرسخت به غرب که ایران هیچگاه تسلیم نخواهد شد و اصولاً هر گونه مذاکره باید از طریق گفتگو باید باشد. «مردم متوجه واقعیات شدند که چالش‌های عظیمی پیش روی روحانی است و هیچ راه سریع و ساده برای غلبه بر این چالش‌ها وجود ندارد» البته الجزیره با ظرافت خاصی دیدگاه قطر به نمایندگی از کشورهای عرب منطقه را نیز اینگونه مطرح می‌کند که «کشورهای دیگر و اشخاص دیگر منتظر می‌مانند تا ببینند آیا تغییری در رویکرد ایران نسبت به بقیه جهان بوجود می‌آید یا نه. «

در مجموع الجزیره در گفتمان سطح رسانه‌ای می‌کوشد واکنش رسانه‌ها و مردم را به سخنان روحانی مثبت نشان دهد، «رسانه‌های ایران چه واکنشی نشان داده‌اند؟» با این اوصاف با بازنمایی قطب‌بندی شده از مطبوعات ایران، واکنش هدمندی با رویکرد مخالف، برای مخاطبان از زبان خود القاء می‌کند. در این راستا در سطح گفتمان رسانه‌ای روزنامه‌های «شرق و اعتماد» را روزنامه‌های موسوم به اصلاح طلبان که سرمقاله‌های آن در خصوص پیغام واشنگتن و کاخ سفید به ایران مثبت، برجسته سازی کرده است. که در مجموع این مضمون برداشت می‌شود که «اگر ایران جدی

باشد ما مایل به گفتگو هستیم.» البته الجزیره تلویحا خود را سخنگوی غرب نیز بازنمایی می‌کند در عین حال در این خصوص بگونه‌ای آمریکا را در جایگاه جامعه جهانی یا به نمایندگی از آنها در متن گزارش‌های خود با ضمیر «ما» بازنمایی می‌کند. در ادامه البته الجزیره با قطب‌بندی در محتوای مطالب مطبوعات سناریوی خود را با برجسته‌سازی مطالب روزنامه «آرمان» که «روحانی سوگند یاد کرد ولی احمدی نژاد حضور نداشت» که این رویکرد در راستای قطب‌بندی کاذب در فضای سیاسی و تلاش برای دامن زدن به اختلاف بین مسئولان نظام از همان ابتداست.

در مجموع از گفتمان سیاسی وایدئولوژیکی گزارش‌های خبری این شبکه اینگونه برداشت می‌شود که به نظر تعاملی سازنده بین رویکرد پان عربیسمی بین کشورهای منطقه و سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی و در سطح و سیعتر جهانی قابل تصور نیست. «کشورهای دیگر/ اشخاص دیگر هم منتظر می‌مانند تا ببینند آیا ریاست روحانی تغییری در رویکرد ایران نسبت به بقیه جهان بوجود می‌آورد.» گرچه که به این موضوع تلویحا اشاره می‌کند. از سوی دیگر رویکرد دوگانه همراه با خوشبینی و تقابل الجزیره در گزارش‌های این شبکه قابل تأمل است.

تحلیل و تبیین بازنمایی گفتمان انتقادی شبکه بی بی سی جهانی قبل از

مراسم تنفیذ رئیس جمهور هفتم

گفتمان گزارش‌های خبری شبکه بی بی سی قبل از برگزاری مراسم تنفیذ رئیس جمهور هفتم رویکرد و مخرج مشترک واحدی را با الجزیره در بعد داخلی دنبال کرد که این رویه با برجسته‌سازی و بازنمایی انزوای ایران در دوره ۸ ساله سیاست‌های دولت محمود احمدی نژاد و ترک وطن برخی از ایرانیان از کشور همراه بود. در سطح رسانه‌ای به القای پدیده مهاجرت و سطح دوم گفتمان سیاسی موضوع ترک وطن شامل دو گروه یعنی نخبگان و بخش‌های خصوصی سرمایه‌گذار تلویحا استنباط می‌شود در بعد داخلی بلحاظ جامعه‌شناسی قشربندی اجتماعی نخبگان و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی به ترتیب گروه‌های سرمایه فرهنگی - اجتماعی و

اقتصادی سیاست‌های دولت را در دو حوزه فرهنگی و اقتصادی قبول نداشتند البته تلویحا این موضوع نیز القاء می‌شود که سیاست‌های دولت احمدی نژاد پیوند ایرانیان خارج با داخل را گسست. به عنوان مثال: «در چهار سال گذشته خیلی از ایرانی‌ها، بخاطر سیاست‌های دولت، مجبور به ترک وطن خود شدند. من از رئیس‌جمهور جدید انتظار دارم که بازگشت این گروه از هم‌وطنان را به وطن خود آسانتر سازد» «احمدی نژاد به عنوان شخصیتی که بیشتر محبوب در خارج بود نه در داخل»

بی.بی.سی در بعد خارجی نیز همگام الجزیره سیاست‌های دولت نهم و دهم را در این حوزه را با رویکرد عدم تعامل با جامعه بین‌المللی و اتخاذ رویکرد رودرویی با کشورهای غربی و انزوای هرچه بیشتر ایران را در جامعه بین‌المللی بازنمایی می‌کند از همین رو «حمله به سفارت انگلیس در تهران» که لندن این اقدام را بی پاسخ نگذاشت نمونه‌هایی از سیاست‌های تقابلی دولت احمدی نژاد بطور صریح اشاره می‌شود. به عنوان مثال: «در دوران ریاست احمدی نژاد، رودرویی (مقابله) با آمریکا و کشورهای غربی مکرراً اتفاق افتاد و یکی از ویژگی‌های دوران او همین مقابله بود.»

در کنار بازنمایی تقابل گفتمانی از دولت احمدی نژاد، ضمن بازنمایی گفتمان اعتدال از روحانی به برجسته‌سازی شعارهای انتخاباتی وی مبنی بر تعامل با جامعه بین‌الملل به مثابه خط مشی دولت جدید تاکید می‌کند. این شبکه همچون الجزیره ضمن تاکید بر محدودیت‌های فعالیت خود در ایران تلویحا بر نبود آزادی جریان اطلاعات القاء دارد، با طرح برخی از آرزوها و امیدها از مردم ایران از جمله تلاش برای ایجاد پیوند بین ایرانیان خارج از کشور و تلاش برای تماس نسلی و کاهش تحریم‌های بین‌المللی و همچنین بازگشایی سفارت انگلیس را به مثابه نخستین اقدام برای سنجش موفقیت‌های وی در عملیاتی کردن شعارهای روحانی ارزیابی می‌کند که البته با این رهیافت اینگونه در بعد القائی و تداعی استنباط می‌شود که دولت روحانی نیز سرنوشتی همچون دولت خاتمی خواهد داشت؟

البته بی.بی.سی موفقیت تعامل ایران با غرب را از طریق گفتگوهای مستقیم با واشنگتن و درگرو نحوه تعامل با انگلیس به عنوان مصداق بازگشایی سفارت این

کشور و در نهایت در سطح سیاسی بر این سنتز گفتمانی تاکید دارد که تعامل با جامعه جهانی ایران از طریق این دو کشور بازتعریف می‌شود. به عنوان مثال: «ما می‌توانیم میزان موفقیت او را بسنجیم. اگر سفارت ایران در لندن دوباره بازگشایی شود، این به آن معناست که رییس‌جمهور جدید ایران (تاحدی) موفق شده.» از سوی دیگر اینگونه این پیش فرض استنباط می‌شود که بازگشایی سفارت انگلیس و گفتگوهای مستقیم با او شنگتن دو معیار برای سنجش موفقیت روحانی و داشتن قدرت ورود به این موضوعات خط قرمز با توجه به اتفاقات گذشته در دولت احمدی نژاد و اقدامات صورت گرفته و تابوشکنی در این زمینه می‌تواند تلقی شود. با همه این اوصاف ایشان چقدر اختیار تام به خط قرمزهایی که برای دولت احمدی نژاد وجود داشت را دارد یا برای دولت جدید خطوط قرمز جدید چگونه تعریف می‌شود. یا اینکه روحانی با توجه به موفقیت فرد اول اجرایی چندان اختیار ورود به این خطوط قرمز مانند احمدی نژاد را نخواهد داشت. البته گفتمان القایی گزارش‌های بی.بی.سی این رهیافت نیز استنباط می‌شود که بازتعریف جدید این خطوط بیانگر درک واقع بینانه نظام از مقتضیات و شرایط درونی جامعه و آرای مردم خواهد بود که خود حاکمیت نیز شرایط را با توجه به خواسته‌های مردم هماهنگ می‌کند.

در مجموع بی.بی.سی به گونه‌ای تصویرسازی گفتمانی را در قالب سناریوی بازنمایی و وضعیت آشفته اقتصادی کشور همچون کاهش ارزش پولی ایران و افزایش تورم و نرخ بیکاری که همه منتیج از سیاست‌های تقابلی‌گرایی دولت احمدی نژاد بوده به پیش می‌برد. در بعد شخصیتی نیز احمدی نژاد را فردی با روش و مسلک خاص منفی بازنمایی می‌کند. به عنوان مثال: «پیتر دابی: و بعد از احمدی نژاد، به نظر می‌رسد که دنیا می‌تواند با حسن روحانی کار کند ما اعتقاد داریم که دنیا می‌تواند با رئیس‌جمهور جدید ایران کار کند.»

بی.بی.سی همچنین بر این رهیافت گفتمان در سطح سیاسی استنباط می‌شود که تعامل با غرب و روابط با آن مایه پیشرفت ایران می‌شد ولی عدم تعامل نتیجه وضعیت کنونی ایران بویژه در حوزه اقتصادی است. البته بر این خرده گفتمان نیز تلویحا تاکید

دارد که پیشرفت ایران در تعامل با غرب تعریف می‌شود. «تریتا پارسی (کارشناس مسائل سیاسی ایران، واشنگتن): حالا شورای ملی ایرانیان مقیم آمریکا می‌گویند که فقط به ایران و رئیس‌جمهور جدید ایران بستگی ندارد، بلکه آنها این سؤال را وارونه کردند ما باید بپرسیم که رئیس‌جمهور اواما چه کارهایی می‌تواند بکند تا روابط ایران - آمریکا را بهبود بخشد؟ روابط دو کشور در چند سال گذشته اصلاً سازنده (constructive) نبوده است!»

البته آنچه از گفتمان تلویحی این شبکه استنباط می‌شود این است که برای دولت جدید نیز پاشنه آشیل برای رهایی از این شرایط صرف در سیاست خارجی دولت و نه ظرفیت‌های درونزایی کشور القاء و تداعی می‌شود. از همین رو این شبکه می‌کوشد یک مسیر گفتمان انحرافی را بازنمایی کند که رهایی جامعه و کشور از این وضع اقتصادی و تحریم‌ها در سیاست خارجی تعریف می‌شود و نه ظرفیت‌های درونی کشور. به عنوان مثال: «آیا روحانی می‌تواند یک «زندگی معمولی» را مهیا کند و به انزوای ایران در جامعه بین‌الملل پایان دهد و اگر تحریم‌ها را نتواند برطرف کند اقتصاد ایران آسیب جدی خواهد دید.»

هر چند بی.بی.سی ضمن بازنمایی مثبت از شخصیت روحانی و سوابق گذشته وی در تعامل با گروه‌های داخلی چه بین اصولگرایان و اصلاح‌طلبان تلویحا اینگونه قطب‌بندی می‌شود که بدون حمایت اصلاح‌طلبان روحانی پیروز انتخابات نمی‌شد و در این بین پس باید به خواسته‌ها و تقاضاهای آنها پاسخ دهد که البته با ظرافت با طرح این موضوع پیوندی بین اصلاح‌طلبان و جنبش سبز ایجاد می‌کند. از همین رو از این گفتمان شرطی اینگونه استنباط می‌شود که در صورت پاسخ ندادن به خواسته‌های آنها همچون تغییراتی که اصلاح‌طلبان می‌خواهند همچون «آزادی زندانیان سیاسی و اصلاح طلب» بخصوص «جنبش سبز» که هرچند مورد آخر در اختیارات وی نیست، دولت پیدایشانی اصلی خود را از دست خواهد داد و ادامه این روند دولت را در بعد داخلی با چالش‌های عمده‌ای روبرو خواهد ساخت و احتمالاً آرای

روحانی در سال‌های اول خواهد ریخت و این زنگ خطری برای دولت درانتخابات دوره بعد خواهد بود.

به عنوان مثال: «جیمزرنولدز: البته او (روحانی) حرف آخر را نمی‌زند. تصمیم آخر را نمی‌گیرد. البته روحانی شاید خودش را اصلاح‌طلب توصیف نکند. ولی اصلاح‌طلبان از روحانی خواهند ستند برای آزادی زندانیان سیاسی / زندانیان اصلاح‌طلب / بخش‌های رهبران جنبش سبز تلاش کند.»

تلاش برای بازنمایی تقابل بین قوای سه‌گانه یکی از محورهای مهم گفتمان‌های بی‌بی‌سی جهانی قبل از مراسم تنفیذ در گزارش‌های خود کلید زد، «مجلسی که تندروها در آن حاکمیت دارند.» «شاشانک جوشی (کارشناس مسال سیاسی موسسه رویال / سلطنتی): سؤال اصلی اینجاست که آیا بیت رهبری و پارلمان ایران که توسط تندروها اداره می‌شود به روحانی این اختیار را می‌دهند که اشخاص کلیدی خود را برگزیند (روی کار آورد) (منصوب کند) شواهد اولیه امیدبخش هستند.» «براین اساس دولت روحانی قبل از آغاز بکار دو مانع اصلی رهبری و مجلس تندرو را درانتخاب اشخاص کلیدی اعضای کابینه و در ادامه پیشبرد سیاست‌های خود درپیش دارد.

تحلیل و تبیین بازنمایی گفتمان انتقادی شبکه بی بی سی جهانی بعد از مراسم تنفیذ (تا تحلیف) رئیس‌جمهور هفتم

از گفتمان تلویحی گزارش‌های روز مراسم تنفیذ استنباط می‌شود اینکه در دوره احمدی نژاد منافع حزبی بر منافع فردی و گاه در بعضی جاهای مهم و قابل تامل حتی دیدگاه‌ها، نظرات و سلیقه‌های شخصی بر منافع ملی ترجیح داده شده است و از همین رو اوضاع کنونی که رئیس‌جمهور جدید «مردم نگران وضعیت اقتصادی هستند.. مردم زندگی بهتر می‌خواهند، عزت داشته باشند» از آن سخن می‌گوید موید این مهم است. «پیتر دابی: او (روحانی) از اقتصاد ایران صحبت کرد و اذعان داشت که مردم نگران^{۲۲} وضعیت اقتصادی هستند.» «از سوی دیگر در این دوره عدم تعامل ایران با

1 . Hardliner 1
2 . Concerned 2

جامعه بین المللی تا آنجا اثرگذار بوده که عزت مردم را تحت الشعاع خود قرار داده است و زندگی عادی مردم از یک ثبات حداقلی خارج و بگونه عزت مردم را در جامعه بین المللی در این دوره زیر سوال برده است.

در مجموع سطح رسانه‌ای گفتمان بی.بی.سی بر این نکته تاکید دارد که جایگاه کنونی برای روحانی قدرت زیادی نمی‌دهد ولی تریبونی در اختیار او قرار می‌دهد که از آن در راستای افزایش اختیارات خود به منظور اثرگذاری بیشتر و یا به عبارتی محدود کردن برخی از خط قرمزها که برای دولت گذشته در موضوع هسته‌ای بود در دولت جدید کمتر شود. اما با توجه به گزاره‌هایی همچون «رهبر عالی ایران باید تصمیم بگیرد که تا چه حد رئیس‌جمهور جدید می‌تواند در این راه قدم بردارد.» و در این راستا نحوه تعامل وی با رهبری در خصوص موضوع هسته‌ای تعیین کننده خواهد بود و در صورت موفقیت آمیز بودن می‌تواند مبنایی برای گسترش قدرت و نفوذ رئیس‌جمهوری با شد و در غیر این صورت شاید هم محدودیت‌ها برای دولت در حوزه سیاست داخلی نیز نسبت به خارجی محدودتر شود.

سطح گفتمان رسانه‌ای و سیاسی بی.بی.سی متهم کردن ایران و بی اعتمادی غرب به تهران استنباط می‌شود. به عنوان مثال: «با کنایه این نصف مساله یا ماجراست»^{۲۳} در سطح گفتمان ایدئولوژیکی نیز بی.بی.سی هیچ پروتکلی در حوزه دیپلماسی خارج از محدوده دیپلماسی سیاسی به مثابه رژیم گفتمانی تعریف نمی‌کند بر این اساس اینگونه استنباط می‌شود که موضوع هسته‌ای ایران در سطح ایدئولوژیکی و با نقش داشتن رهبری در سمت وسوی آن تلویحا غیر قابل بحث است.

تحلیل و تبیین بازنمایی گفتمان انتقادی شبکه بی بی سی جهانی بعد از

مراسم تحلیف رئیس‌جمهور هفتم

گرچه بی.بی.سی جهانی در گفتمان گزارش‌های خبری بعد از مراسم تحلیف، دوگفتمان روحانی را شامل «گفتگو و شفافیت» را در موضوع هسته‌ای ایران دنبال می‌کند، اما سنتز گفتمانی در سطح گفتمان سیاسی مرتبط با ایالات متحده آمریکا به

عنوان نماینده این جامعه القاء می‌شود و در عین حال اینگونه بازنمایی می‌کند که پایان دادن به دغدغه‌های جهانی از راه تعامل با ایلات متحده تعریف می‌شود. «کاخ سفید بر این نکته تأکید کرد که انتخابات (اخیر) در ایران یک فرصت برای ایران بود تا به دغدغه‌های^۴ «جامعه بین‌الملل» درباره برنامه هسته‌ای ایران رسیدگی کند. او (روحانی) به سمتی رسیده که قدرت زیادی به او نمی‌دهد، اما خیلی مهم است که بیاد داشته باشیم که ریاست‌جمهوری تریبونی (صحنه) به او می‌دهد و او می‌تواند لحن جدیدی^۵ را اتخاذ کند. آقای روحانی از تریبون^۶ استفاده کرد تا پیامی به واشنگتن بفرستد.»

نگاه اجمالی به گفتمان بی.بی.سی جهانی بعد از مراسم تنفیذ و تحلیف اینگونه در سطح گفتمان سیاسی برداشت می‌شود که غرب با توجه به پیروزی حسن روحانی به دوران یا عصر جدیدی که خودشان مبلغ گفتمان رسانه‌ای در قطب‌بندی‌های تصنعی در تقابل گفتمانی دولت احمدی نژاد و روحانی بودند، تردید دارند. «ولی هنوز معلوم نیست که آیا یک عصر سیاسی جدید در ایران آغاز شده.» از سوی دیگر نگاه بی.بی.سی در سطح رسانه‌ای در گفتمان تلویحی خود به موضوع هسته‌ای ایران، آمریکا رابه نیابت از غرب و جامعه بین‌المللی بازنمایی و معرفی می‌کند. و در عین حال نگاه غرب و نمایندگی از جامعه بین‌المللی از دریچه آمریکا به مسائل ایران بویژه در موضوع هسته‌ای ترسیم می‌شود. در کنار این موضوع آمریکا به مثابه نماینده گفتمان غرب و سازمان‌های بین‌المللی بازنمود پیدا می‌کند که با توجه به موضوع گفتگو ایران با غرب و وضعیتی که از اوضاع اقتصادی ایران بازنمایی می‌شود بصورت غیر مستقیم از زبان رسانه بی.بی.سی و مستقیم از زبان روحانی که البته گفتمان گزینشی شده در راستای سنتز گفتمانی این شبکه است البته اینگونه استنباط می‌شود که تا زمانی که خواسته‌های آمریکا تامین نشود آمریکا در اقداماتی فرا قانونی و فرا بین‌المللی به ادامه تحریم‌های بیشتر علیه ایران ادامه میدهد «تصمیمات کنگره برای تحریم بر صنعت نفت ایران». و این حق را برای خود بصورت فرافانونی متصور است یعنی به

4 .	Concerns	4
5 .	New tone	5
6 .	Rfpit	6

تعبیری حق وتوی برای خود قائل است. از سوی دیگر ایران نیز معتقد است رویکرد مذاکره و درکنار آن فشار و افزایش تحریم‌ها را نمی‌پذیرد و در عین حال به چنین مذاکره و گفتگویی تن نخواهد داد. «بگذارید فرض کنیم که روابط ایران — آمریکا تعیین‌کننده روابط ایران با همه کشورهای غربی است. من می‌خواهم اول دیدگاه ایران را مطرح کنم. مجلس نمایندگان آمریکا یک مصوبه صادر کرده که فعلاً قانون نشده ولی ممکن است در آینده قانون شود.» «رایب رایت استاد ارشد انستیتو صلح آمریکا و همچنین استاد ارشد انستیتو وودرو ویلسون در واشنگتن مجلس نمایندگان آمریکا می‌خواهد تحریم‌ها را علیه ایران تشدید کند. ایران می‌گوید از طرفی شما می‌خواهید با ما گفتگو (دیالوگ) داشته باشید، ولی از طرف دیگر، در عمل، فشار زیادی بر ما وارد می‌کنید.»

بی.بی.سی در ادامه به پیش شرط‌های دیگر که غرب احتمال دارد این توافق به نتیجه‌ای جدی نرسد مبتنی بر این حمایت ایران از «جنبش‌های حزب الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی فلسطین» است، همچنین در قضایای سوریه کاملاً مشخص است. البته بی.بی.سی با برجسته کردن متغیرهای جدیدی همچون موارد فوق مدعی است که موضوع هسته‌ای ایران موضوعی صرف نیست که به آینده آن خوشبین در مذاکرات و توافق بود و لذا با توجه به این متغیرها غرب تمایل دارد که ایران حمایت‌های خود را از این گروه‌های تروریستی بردارد و از سوی دیگر می‌کوشد تلویحا ایران را حامی گروه‌های افراطی و تروریست متهم و بازنمایی کند. بنابراین بی.بی.سی موضوع هسته‌ای را فراتر از خود آن و ایران بازنمایی می‌کند که برخی از مسائل و معادلات منطقه کاملاً مرتبط است. بر این اساس بی.بی.سی در گفتمان تلوحی خود موضوع هسته‌ای را با موضوعات دیگر پیوند می‌دهد.

در مجموع اما آنچه که بی.بی.سی در گفتمان‌پردازی خود به مثابه «سلطه و محکوم» بصورت رژیم گفتمانی غیر تعاملی و یکسویه به آن می‌پردازد این است که غرب نسبت به سوابق روحانی و کمی نسبت به شعارهای وی خوشبین است و

همچنین سوابق وزیر خارجه که فردی با تجربه است در شیوه دیپلماسی، رویکرد نوین و متفاوت از دیپلماسی دولت سابق برای گفتگوها طرح و استفاده کند، ولی غرب نسبت به آینده و دوران جدید نگاهی تردیدآمیز دارد، چراکه در مباحث مهم و خط قرمزهایی همچون هسته‌ای رهبر نظام است که تصمیم نهایی را اتخاذ می‌کند. بنابراین روند اقدامات دولت روحانی و آینده تحولات آتی و رویکرد دیپلماسی دولت وی این باور و سنجش غرب را در افزایش تردید و یا اینکه به وی در این زمینه اعتماد کند مشخص خواهد کرد.

تحلیل و تبیین بازنمایی گفتمان انتقادی شبکه سی.ان.ان بین المللی

روز مراسم تنفیذ (تا تحلیف) رئیس جمهور هفتم

هر چند شبکه سی ان ان قبل از مراسم تنفیذ "گفتمان سکوت" را در سیاست رسانه‌ای و خبری خود در قالب «گفتمان انتظار» پیش گرفت. این رسانه گفتمان خبری خود همزمان با روز مراسم تنفیذ با «گفتمان تاریخی» آغاز کرد که، «در سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶) سرمقاله‌ای در مجله «تایم چاپ شد که با این لغات آغاز می‌شد: «ایرانی که سلاح هسته‌ای داشته باشد، باعث بی‌ثباتی منطقه خواهد شد، به یک مسابقه تسلیحاتی در منطقه منجر خواهد شد، و باعث به هدر رفتن منابع کمیاب منطقه خواهد شد،» رئیس‌جمهور (اسبق) رونالد ریگان می‌گفت: «اعتماد داشته باش ولی درباره صحتش تحقیق کن.»^۹ این سرمقاله متعلق به حسن روحانی دبیر شورای امنیت ملی وقت بود که ۹ می ۲۰۰۶ در مجله تایم چاپ شده بود. سی.ان.ان با هوشمندی این گفتار را در قالب «گفتمان تطبیقی» قرار می‌دهد که دبیر شورای امنیت ملی وقت اکنون فرد اول اجرایی ایران انتخاب شده است نسبت به گفتار خود در سال ۲۰۰۶ چقدر پایبند است؟ آیا وی در خصوص موضوع هسته‌ای به این دیدگاه سابق خود ثابت قدم است یا نه بر این اساس آنچه که از این گزاره استنباط می‌شود اینکه ادامه برنامه‌های هسته‌ای ایران با گذشت ۷ سال از آن احتمال هسته‌ای کردن

منطقه و مسابقه تسلیحاتی را دامن خواهد زد و تلویحا مقابله با برنامه‌های هسته‌ای آن را یک ضرورت می‌داند.

گرچه سی.ان.ان می‌کوشد این موضوع را که وی معتقد به داشتن برنامه‌هسته‌ای ایران و در عین حال مخالف تسلیحاتی شدن است. ولی آنچه که تلویحا استنباط می‌شود این است که باید این سخنان وی با ابزارها و مکانیسم بین‌المللی مورد ارزیابی قرار گیرد. در عین حال اینگونه القاء می‌کند که قطعنامه‌ها تصویب شده علیه برنامه‌های هسته‌ای می‌تواند به عنوان ابزار و مکانیسم سنجش اعتماد به ایران مد نظر قرار گیرد.

البته سی.ان.ان همچون دو شبکه الجزیره و بی.بی.سی ضمن آشفته نشان دادن وضعیت اقتصادی ایران می‌کوشد پیوندی با موضوع هسته‌ای ایجاد کند و در مذاکرات از آن به عنوان پاشنه آشیل اثرگذاری تحریم‌ها با رویکردی القایی از هم اکنون در روند مذاکرات بهره‌برداری کند. «تحلیل‌گران می‌گویند که اقتصاد ایران فلج شده است»، نه فقط به خاطر مدیریت نادرست، بلکه بخاطر تحریم‌ها. «و حتی در ادامه می‌گوید این «رژیم گفتمانی» را جا بیاندازد که ایرانیان برنامه هسته‌ای را بابت هزینه‌های که درگیر با آن هستند و یا این ارتش قدرتمند که به بهای تباهی زندگی بهتر را تمایل ندارند و از سوی دیگر با برشمردن برخی از این حوزه‌ها عمق این موضوع را در حوزه مسکن، سوخت و غذا بیشتر برجسته‌سازی می‌کند. رهیافت گفتمانی که از آن استنباط می‌شود اینکه در صدد القای یک نوع تعارض گفتمانی بین مردم و حاکمیت در خصوص برنامه‌های هسته‌ای است و می‌کوشد برآن دامن زند و از سوی دیگر برنامه هسته‌ای موضوعی نیست که از پشتیبانی مردم برخوردار باشد بلکه سیاست‌های یکسویه حاکمیت است که با بازی با سرنوشت مردم جامعه آن را دنبال می‌کند و از سوی دیگر بر این سنتز گفتمانی تاکید دارد که حل چالش‌های داخلی روحانی در گروه حل چالش‌های خارجی یعنی موضوع هسته‌ای و کاهش تحریم‌ها است. «او با چالش‌های زیادی مواجه است هم در درون کشور و هم خارج از کشور. اولویت اول او (روحانی) رسیدگی به وضعیت اقتصادی ایران است از هر دیدگاهی (از هر زاویه‌ای)

که نگاه کنید، اقتصاد ایران در وضعیت آشفته‌ای است. گز با ایرانی‌ها صحبت کنید، به شما می‌گویند که ما به برنامه هسته‌ای اهمیتی نمی‌دهیم” “برنامه هسته‌ای برای ما اهمیتی ندارد. به شما می‌گویند که: «برای ما اهمیتی ندارد که نیروی مسلح (ارتش) ایران چقدر قدرتمند هستند. ما فقط زندگی بهتری می‌خواهیم.” «ما خواهان کاهش قیمت مواد غذایی، سوخت و مسکن هستیم.» «با این اوصاف سی‌ان‌ان در یک روند خرده گفتمانی می‌کوشد چالش‌های عمده پیش روی روحانی را برجسته کند مانند «بیکاری» که رو به افزایش است. «یکی از مسائلی که رئیس‌جمهور جدید وعده داده که به آن رسیدگی کند مسئله بیکاری است که رو به افزایش است. ولی تحریم‌های غرب علیه ایران، به خاطر برنامه هسته‌ای ایران، کشور را فلج کرده است، و این جمله عاری از مبالغه است.» «بنابراین بهبود اوضاع اقتصادی ایران به مثابه تزی گفتمانی که در گفتمان این شبکه برجسته‌سازی می‌شود راهکارش درونی و داخلی نیست بلکه عنصری بیرونی و در تعامل با جامعه جهانی و آن توافق هسته‌ای با غرب به عنوان آنتی‌تز مطرح می‌شود که در نهایت سنتز آن منجر به کاهش تحریم‌ها تعریف می‌شود.» «و واضح است که تحریم‌ها کاهش نمی‌یابد، مگر اینکه روابط با غرب و با واشنگتن، بهبود یابد.»

گرچه سی‌ان‌ان می‌کوشد کشورهای درگیر با تحریم ایران را در قالب ائتلاف و القای جامعه جهانی بازنمایی کند. به عنوان مثال: «ما تحریم‌های مختلف را در طول سال‌ها بیش از ۲۰ سال، پوشش دادیم. تحریم‌ها علیه آفریقای جنوبی، تحریم‌ها علیه زیمبابوه، ولی تحریم‌ها علیه ایران، فن‌آوری و سیاست‌های تحریم را به حد جدیدی رساند. اولی تحریم‌ها علیه بخش انرژی ایران وضع شد و محدودیت‌هایی برای واردات تکنولوژی صنعت نفت ایجاد کرد، ایرانی‌ها به چین و مالزی رفتند، ولی آنها (چینی‌ها و مالزیایی‌ها) تکنولوژی تراز اول دنیا را ندارند، و به خاطر همین بود که وقفه‌ای (مشکلاتی) در تولید نفت ایران پیش آمد... پس می‌شود گفت که همه تجارت نفت ایران در سطح بین‌الملل امروز از طریق «معاملات پایاپای» (دادوستد از طریق مبادله کالاها) صورت می‌گیرد و تقریباً غیرممکن است که چنین روش تجارت را ادامه داد.

« از سوی دیگر در سطح گفتمان سیاسی اینگونه برداشت می‌شود که ایران غیر از آمریکا باید با اروپا نیز توافق کند و انتظارات اروپا را در قالب گروه جی ۷ تامین کند البته سی.ان.ان از بکاربردن لفظ «جی ۷» به نوعی روسیه را در این توافق نمی‌پذیرد و با این سبک بیانی استعاری خاص می‌کوشد در محور توافقات ایران با اروپا و آمریکا جایگاهی برای روسیه تعریف نشود. البته همه گروه‌ها به چنین توافقی که روسیه در آن تعریف نشود با ایران موافقند.

البته این شبکه بر این موضع نیز تاکید دارد که اگر ایران به مشکلات سیاسی غلبه پیدا کند می‌تواند اقتصادی رشد یافته در منطقه و جهان داشته باشد که اینگونه القاء و برداشت می‌شود که همه اینها در گرو تعامل با غرب خلاصه می‌شود. البته این سنتز گفتمانی نیز برداشت می‌شود که گرچه ایران قبل از انقلاب ژاندارم منطقه بود اکنون در تعاملی جدید با غرب می‌تواند همان جایگاه سابق خود را با رویکرد اقتصادی در منطقه پیدا کند و در این روند دلیلی برای پیشرفت ایران وجود ندارد، به عنوان مثال: « افشین مولوی: تحلیلگر مسائل ایران و خاورمیانه در اتاق فکر اکسفورد نیویورک اگر تحریم‌ها علیه ایران برداشته نشوند، اقتصاد ایران هرگز به پتانسیلی که دارد نخواهد رسید. ایران می‌تواند «آلمان خاورمیانه» باشد. ایران می‌تواند ابرقدرت صنعتی منطقه (خاورمیانه) باشد. »

هرچند سی.ان.ان در سطح گفتمان رسانه‌ای در یک روند گفتمان تاریخی می‌کوشد با مقایسه جایگاه و موقعیت کنونی جایگاه روحانی را نسبت به روسای جمهور همچون احمدی نژاد و هاشمی برتر نشان دهد و از همین رو اینگونه استنباط می‌شود که وی با توجه به این موقعیت می‌تواند برخی از خط قرمزهایی که برای روسای قبلی بوده با توجه به نحوه تعامل وی در دوره شورای امنیت ملی و مذاکرات با اروپا نقش برجسته‌تری در موضوع هسته‌ای بازنمایی کند و احتمالاً اختیارات بیشتری را در راستای پیشبرد مقاصد دیپلماسی دولت خود در راستای اهداف جمهوری اسلامی ایران ایفا کند.

سی.ان.ان در سطح گفتمان سیاسی یک «رژیم حقیقت» از سوی غرب با زدن برچسب‌های منفی به ایران در موضوع هسته‌ای تعریف می‌کند و این رژیم حقیقت

نیز نه بر اساس قوانین و سازمان‌های بین‌المللی بلکه تعریفی که چند کشور غربی که انتظارات و خواسته‌های هژمونیکشان به عنوان معیار تحمیل می‌کنند.

به عنوان مثال در گزاره‌ای نیکلاس برنز می‌گوید «ایران است که بدور افتاد(منزوی شده) ایران است^۳ که باید قدم اول را بردارد، ایران است که بدور افتاده نه ایالات متحده آمریکا، ایران باید بقیه دنیا را متقاعد کند که رئیس‌جمهور روحانی باید دنیا را متقاعد کند که وقت آن رسیده که جدی و روراست باشد.»

در مجموع سی.ان.ان در روز تنفیذ حکم ریاست جمهوری می‌کوشد ایران را کشوری منزوی مطرح کند و از سوی دیگر ایران را به دخالت در کشورهای منطقه متهم می‌کند و اصولاً روی کار آمدن روحانی را صرفاً برای ایران فرصتی برای رهایی از این اوضاع بویژه در موضوع هسته‌ای القاء می‌کند. از سوی دیگر سخنان روحانی با دو اژه «اعتدال و» شفاف‌سازی «در این شبکه به عنوان سیگنال‌هایی بازنمایی می‌شود که تهران نیز خواستار تعامل با جامعه بین‌الملل است و ایران نحوه تعامل با غرب را از طریق «گفتگو» پاسخ می‌دهد و در عین حال اینگونه استنباط می‌شود که درک متقابل از طریق گفتگو میسر می‌شود نه زبان تحریم یکسویه. «او همچنین گفت: اگر پاسخ مناسب از ایران می‌خواهید، نه با زبان تحریم که با زبان تکریم با ایران صحبت کنید». با همه این اوصاف غرب بر این سنتز گفتمانی در پاسخ به سیگنال‌های ایران تلاش می‌کند که ریاست روحانی فرصتی جدید برای ایران بازنمایی کند تا دغدغه‌های جدی (چندکشوراروپایی و آمریکا) جامعه بین‌المللی را در موضوع هسته‌ای برطرف کند و با این شرط آمریکا می‌تواند برای ایران همراه خوبی باشد. گفتمان این شبکه هر چند با توجه به گذشته روحانی احتمال توافق و بازکردن گره هسته‌ای و تدبیر وی وجود دارد اما در این روند برای غرب این تردید وجود دارد که روحانی اختیارات کامل را دارد یا نه در صورتیکه حرف آخر در موضوع هسته‌ای را رهبری زند، نهایت امر گشایشی برای آن تصور نیست و از سوی دیگر در این دو شق مساله غنی‌سازی اورانیوم است که گفتمان غرب بر متوقف کردن غنی‌سازی است و از سوی دیگر ایران آنرا حق خود می‌داند البته در سطح گفتمان سیاسی و سطح رسانه‌ای برحق ایران بر

اساس آن. پی.تی اشاره نمی‌کند و آنچه که در شق اول غرب مشخص است که روحانی در صورت داشتن اختیارات کامل در مذاکره با رویکرد برد-برد به توفیق برسند. البته آنچه که از گفتمان تلویحی غرب استنباط می‌شود که ایران با تضمین به غرب می‌تواند غنی سازی اورانیوم با درصد پایین ادامه دهد و از سوی دیگر حق غنی سازی ایران با درصد پایین به رسمیت شناخته شود. «شاید ایران بتواند غنی سازی اورانیوم را ادامه بدهد و به کشورهای غربی و وا شنگتن تضمین بدهد که اورانیوم بسیار غنی شده تولید نکند، زیرا می‌شود از این نوع اورانیوم برای ساخت سلاح هسته‌ای استفاده کرد.»

در مجموع گفتمان سی.ان.ان در بعد داخلی بازنمایی امنیتی وضعیت کشور است هر چند گفتمان تلویحی آن اینگونه برداشت می‌شود که روحانی نیز به این وضعیت معترض است. «او(روحانی) انتقادهای زیرکانه و باظرافت و مدبرانه و فراسست‌آمیزانه خود را از رژیم شروع کرد. او(روحانی) از وضعیت کاملاً امنیتی کشور(رژیم) انتقاد کرد. «البته با این ترسیم و وضعیت فوق می‌گوشد فضای کشور را امنیتی جلوه دهد که ساختار اجتماعی جامعه بلحاظ فشارها که در حوزه اقتصادی بر مردم وارد شده است این رویکرد و فضا شکل گرفته است از سوی دیگر خود جناح‌ها و رهبری ایران نیز این موضوع را درک کرده است که استمرار این وضع برای جامعه و حاکمیت غیر قابل پیش بینی است و اساساً این وضعیت فعلی سیاسی و اقتصادی توجیه پذیر و قابل دفاع برای هیچ کس نیست و بر این اساس درکنار تعامل با غرب تغییر و اصلاحات داخلی نیز ضرورت دارد و شرایط در این مدت به گونه‌ای شده است که حاکمیت دیگر آن محبوبیت خود را برای اقشار وسیعی از جامعه ندارد و اگر این اصلاحات صورت نگیرد بقای حاکمیت در صورت استمرار فشار تحریم‌ها و فشار داخلی تهدید خواهد شد.»

تحلیل و تبیین بازنمایی گفتمان انتقادی شبکه سی ان ان بعد از مراسم

تحلیف رئیس جمهور هفتم

هرچند سی.ان.ان بین‌المللی در گزارش‌های بعد از مراسم تحلیف در سطح گفتمان رسانه‌ای بر موضوع «گفتگوه‌های تحریم» تأکید داشت. اما از گفتمان تلویحی آن استنباط می‌شود که ایران نیز به این ادراک رسیده است که دور زدن تحریم‌ها و مبادلات پایاپای و بدون تعامل با کشورهای مهم نمی‌تواند حیات اقتصادی فعال و پویا در سطح منطقه‌ای و جهانی داشته باشد. و بنابراین ایران تمام مسیرها را برای پیشبرد اهداف خود تجربه کرد البته این در شرایطی است که اقتصاد ایران توسط تحریم‌ها فلج شده است. به عنوان مثال: «تشدید تحریم‌ها و بیکارشدن کارمندان دولتی، کاهش ۵۰ درصدی ارزش پول ایران و ضرر ۳۳ میلیاردی در ۳ سال گذشته از تحریم نفت ایران.» «گرچه سیگنال‌های روحانی امیدوارکننده در تعامل با غرب به نظر می‌رسد به عنوان مثال: «او (روحانی) شاخه درخت زیتون را در دست گرفته با اشخاصی که برای کابینه خود انتخاب کرده است و باید ببینیم که دیپلماسی و مذاکرات (با ایران) به کجا می‌رسد.» ولی مقتضیات جامعه ایران بویژه در حوزه اقتصادی که پاشنه آشیل نظام است با توجه به افزایش نرخ تورم و بیکاری که هم متأثر از نتایج تحریم‌ها مبتنی بر اثرگذاری آن و مدیریت نادرست دولت احمدی نژاد در ۸ سال گذشته است به نظر می‌رسد راهی غیر از گفتگو با جامعه جهانی و هم‌سوس شدن با آنها البته چند کشور اروپایی و آمریکا راهی دیگر برای آینده ایران قابل تصور نیست.

سی.ان.ان در بخشی از گفتمان خود ضمن قرینه‌سازی ایران با توجه به برخی از ویژگی‌های ایران با آلمان همچون مساحت، جمعیت و موقعیت و منابع طبیعی و برخی از کشورهایمانند فلیپین، اندونزی و ویتنام که رشد سریع اقتصادی را داشتند که این رشد سریع را متأثر از همراهی با غرب القاء می‌کند و برای ایران نیز چنین شرایطی و مختصات را ترسیم می‌کند که همچنان قبل از انقلاب در تعامل با آمریکا ژاندارم منطقه بود اکنون در مختصات متفاوت در همراهی با غرب می‌تواند بار دیگر آلمان خاورمیانه در حوزه اقتصاد منطقه و جهان باشد و اگر ایران بتواند در حوزه خارجی بویژه در موضوع هسته‌ای که به تبع آن کاهش تحریم‌ها را رقم خواهد زد و همچنین بر چالش‌های خود فائق آید می‌تواند در کلوب اقتصادی جهان مطرح شود. هر چند رئیس‌جمهور و اعضای کابینه تمایل به مذاکره دارند، ولی سطح گفتمان سیاسی

تلویحا رهبری نظام برای روحانی در این خصوص به عنوان مانع بزرگ بازنمایی می‌کند و می‌کوشد با سوالاتی مختلف از زوایای متفاوت بازیگران، همچون چقدر ایرانی‌ها می‌خواهند فن آوری هسته‌ای را دنبال کنند با توجه به هزینه‌های گرانی که در حوزه‌های مختلف دادند بویژه زندگی عادی مردم را تحت الشعاع قرار داده است. ولی نهایت امر اینکه غرب هنوز نسبت به راهبرد و شعار دولت جدید تردید دارد.

با همه این اوصاف سی.ان.ان در گفتمان سیاسی خود این سنتز گفتمانی از شرط‌های مذاکره را قبل از مذاکره مطرح می‌کند که آمریکا و در حقیقت ۱+۵ خواست آن برغنی‌سازی اورانیوم در خارج از ایران باید باشد، یا عبارتی غرب همچنان بر پیشنهادهای خود در نشست‌های آلمانی ۱ و ۲ که ناتمام ماند مصراست. با این وجود رسیدن به هدف آلمان خاورمیانه برای ایران مسیر دشواری است که نوعا تغییر از داخل ایران به وضوح با توجه به رای مردم و سیگنال‌های دولت روحانی دریافت می‌شود و ایران با توجه به ۸ سال گذشته در دوران جدید ریاست جمهوری روحانی با رویکرد نو می‌کوشد در مسیر دیپلماسی تعامل و رسیدن به اهداف خود تعامل با غرب داشته باشد. به عبارتی ایران نیاز به تعامل با غرب در شرایط کنونی بیش از هر مقطع دیگر می‌بیند و تلویحا اثرگذاری تحریم‌ها را الفاء و تداعی می‌کند.

تحلیل و تبیین بازنمایی گفتمان انتقادی شبکه پرس.تی.وی قبل از مراسم تنفيذ رئیس جمهور هفتم

شبکه بین‌المللی پرس.تی.وی در سطح گفتمان رسانه‌ای گزارش خبری در روز مراسم به برجسته‌سازی محتاطانه عمل کردن نحوه تعامل کشورهای با رئیس جمهور جدید ایران پرداخت. «دنیا (کشورهای جهان) محتاطانه منتظر است (منتظرند) تا ببینند چگونه با رئیس‌جمهور جدید ایران تعامل داشته باشند.»

این شبکه در بخشی از خرده‌گفتمان خود شعارهای دولت روحانی را در ابعاد داخلی و خارجی برجسته‌سازی می‌کند که این اقدامات در بعد داخلی از جمله تقویت اخلاق‌گرایی، رسیدگی به مشکلات اقتصادی و اجتماعی و اقتصاد کشور و در حوزه خارجی تعامل سازنده با کشورهای جهان و برداشتن تحریمها بدون پشتیبانی

مردم عملی نخواهد بود. هرچند که از گفتار روحانی تلویحا تداعی اقدامات نامناسب و ناکارآمدی دولت قبلی در حوزه داخلی در مسائل معیشتی که ناشی از تشدید تحریمها و در بعد خارجی عدم تعامل سازنده القاء می‌شود.

شبکه پرس.تی وی در ادامه رویکرد دوگانه اقدامات آمریکا بعد از انتخاب روحانی که در راستای تامین خواسته‌های صهیونیست‌ها بازنمایی می‌کند که ترجیحا در سطح گفتمان سیاسی اینگونه استنباط می‌شود که حاکمیت و تاثیرگذاری لابی صهیونیسم را در سیاست‌های دولت‌های آمریکا در دشمنی با نظام جمهوری اسلامی در طول ۳۵ سال القاء می‌شود. «این تحریم‌ها اشک شوق (اشک خوشحالی) را در چشمان نخست‌وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیا‌هو، جاری کردند. نتانیا‌هو می‌گوید که تحریم‌های مجلس نمایندگان آمریکا یک «پیام واضح را به تهران می‌فرستند». از وقتی که روحانی (به عنوان رئیس‌جمهور جدید) انتخاب شده، نخست‌وزیر اسرائیل تلاش می‌کند تا به دنیا این باور را القا کند که «روحانی هیچ تفاوتی با احمدی‌نژاد ندارد». اسرائیل تنها دارنده زرادخانه هسته‌ای (سلاح‌های هسته‌ای) در خاورمیانه، می‌خواهد دنیا را بر علیه برنامه هسته‌ای ایران بسیج کند؟!»

گرچه اسرائیل می‌کوشد از طریق این لابی و فشار بر دولت آمریکا در فضای جدیدی در حال شکل‌گیری نیز اختلال ایجاد کند و تلویحا این پیام را القاء می‌کند که غرب در خصوص موضوع هسته‌ای ایران و زرادخانه‌های رژیم اسرائیل استاندارد دوگانه‌ای را در پیش گرفته است و اصولا اسرائیل در این اجماع تنهاست و آمریکا نیز جز اسرائیل کشوری برای ادامه حمایت از اقدامات خود علیه جمهوری اسلامی جز چند کشور اروپایی همراهی ندارد.

در مجموع پرس.تی وی در سطح گفتمان سیاسی می‌کوشد فضای جدید در حال شکل‌گیری با انتخاب روحانی را برای غرب بویژه ۱+۵ را فرصتی جدید بازنمایی کند و با توجه به سوابق نامه‌های مقامات آمریکایی برای آغاز مذاکرات با ایران در خصوص پرونده هسته‌ای چقدر در این امر صادق خواهند بود. نهایت امر مذاکرات شعار حمایت از دموکراسی در ایران را برای همگان به منصفه ظهور خواهد گذاشت و اصولا این مذاکرات مکانیسم راست آزمایی برای جمهوری اسلامی ایران در قبال این چند کشور

غربی خواهد بود که آیا رفتار و گفتار غرب در این برهه از زمان در تقابل با جمهوری اسلامی متفاوت خواهد بود؟ با این حال تلویحا تاکید دارد که جمهوری اسلامی با توجه به گذشته اقدامات چند کشور غربی به آنها بی اعتماد است.

تحلیل و تبیین بازنمایی گفتمان انتقادی شبکه پرس تی وی بعد از مراسم تنفیذ (تا تحلیف) رئیس جمهور هفتم

شبکه پرس تی وی در سطح گفتمان رسانه‌ای وی بعد از مراسم تنفیذ رئیس جمهور هفتم با برجسته سازی و انگاره سازی «میانه رو» بودن روحانی و اینکه تعامل دولت جدید روحانی با دو مفروض اساسی یعنی «احترام متقابل و منافع ملی» در سیاست خارجی تعریف می شود. رویکرد این شبکه از همان ابتدا ضمن متمرکز بر بیانیه رهبر معظم انقلاب روحانی را فردی کارآمد، کار آزموده و شایسته و از عناصر خدمتگزار قدیمی با بیش از سه دهه سابقه در خدمت نظام بازنمایی می شود. البته این شبکه در سطح گفتمان سیاسی ضمن پیوند زدن مشارکت بالای مردم در انتخابات را اعتماد مردم به نظام جمهوری اسلامی و وفادار بودن آن به آرمان‌های نظام استنباط می شود. از سوی دیگر آنچه که از گفتمان سیاسی آن برداشت می شود تلاش برای سهم بردن مردم را در مدیریت کشور را از طریق انتخابات از سال ۱۳۵۷ تاکنون است. و از این رهگذار با بازنمایی این ابعاد می کوشد پیوندی بین گفتمان سیاسی و سطح ایدئولوژیک برقرار کند که البته از آن در سطح رسانه‌ای از آن به مثابه مردم سالاری اسلامی یاد می کند و در این بین این جایگاه علاوه بر حساسیت آن جابجایی افراد در این جایگاه را یکی از نمودگاه‌های این مردم سالاری دینی تلقی می شود. و از سوی دیگر تلویحا بر فاصله داشتن کشورهای نزدیک به آمریکا در منطقه از جمله عربستان، بحرین و... تاکید دارد. به عنوان مثال: «رهبر معظم انقلاب: اینکه در نظام مقدس جمهوری اسلامی، قدرت اجرایی با متانت، با آرامش، با صفا و صمیمیت بین خدمتگزاران نظام دست به دست می شود، یک پدیده بسیار ارزشمند و مهمی است. این پدیده ناشی است از مردم سالاری اسلامی ...»

بخشی از گفتمان سیاسی این رسانه ضمن اشاره به تحریم‌های آمریکا علیه ایران، در سطح رسانه‌ای آن را اجماعی تصنعی و بازتولید جریان سازی رسانه‌های غربی بازنمایی می‌کند. در عین حال در رهیافت گفتمانی آن تلاش برآنتی تز مقابله با آن در تداعی سختی‌های مردم ایران در طول این سه دهه اشاره دارد که به غرب و دیگران امید نداشته و پیشرفت خود را در درون کشور و تواناییها و ظرفیت‌های درون زایی دنبال کرده است. به عنوان مثال: «این تحریم‌ها اشک شوق (اشک خوشحالی) را در چشمان نخست‌وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیاهو، جاری کردند. نتانیاهو می‌گوید که تحریم‌های مجلس نمایندگان آمریکا یک «پیام واضح را به تهران می‌فرستند». از وقتی که روحانی (به عنوان رئیس‌جمهور جدید) انتخاب شده، نخست‌وزیر اسرائیل تلاش می‌کند تا به دنیا این باور را القا کند که «روحانی هیچ تفاوتی با احمدی‌نژاد ندارد». اسرائیل تنها دارنده زرادخانه هسته‌ای (سلاح‌های هسته‌ای) در خاورمیانه، می‌خواهد دنیا را بر علیه برنامه هسته‌ای ایران بسیج کند؟!»

در مجموع این رسانه بین‌المللی در سطح رسانه‌ای با برجسته سازی شعارهای دولت یازدهم در سیاست خارجی و حمایت پشتیبانی رهبری و مردم را عامل مهمی در پیشرفت این دولت تداعی می‌کند و در این بین انتخابات را به مثابه نمایش بزرگ دموکراسی انگاره سازی می‌کند که سیاست‌های دولت در همه ابعاد از پشتیبانی نظام و مردم برخوردار است اما در این حال می‌کوشد، افراگرایی را به عنوان عنصر نامطلوب در رقم خوردن برخی از رویدادها القاء کند، که البته می‌تواند برای این دولت نیز خارج از مرز شعار اعتدال پیامدهای منفی را در پی داشته باشد.

تحلیل و تبیین بازنمایی گفتمان انتقادی شبکه العالم از مراسم تنفید

یازدهمین دوره ریاست جمهوری

شبکه العالم در بازنمایی گفتمان رسانه‌ای روز مراسم تنفید، برجسته سازی حضور سیاستمداران ۶۰ کشور جهان در این مراسم تاکید داشت. اما از گفتمان سیاسی این شبکه اینگونه استنباط می‌شود که موضوع منزوی شدن ایران بیشتر بازنمایی

رسانه‌های غربی است و اصولاً جامعه جهانی به چند کشور غربی تعریف نمی‌شود. از سوی دیگر در سطح رسانه‌ای العالم مشارکت ۷۳ درصدی مردم در انتخابات را دموکراسی منحصر به فرد در منطقه بازتمایمی می‌کند. اما در سطح گفتمان سیاسی این گزاره «انتخاباتی که دموکراسی منحصر بفردی را در منطقه به نمایش گذاشت» اینگونه القاء می‌کند که دموکراسی واقعی تنها در ایران در بین کشورهای منطقه وجود دارد و اصولاً در برخی از کشورهای منطقه دموکراسی به نمایش درآمده تصنعی است و یا اصولاً در کمتر کشور منطقه دموکراسی تبلور می‌یابد به این مفهوم که مردم کشورشان مستقیماً مسئولان عالیرتبه از جمله رئیس‌جمهور را انتخاب می‌کنند و یا مردم در مدیریت اداره کشورشان حق مشارکت ندارند.

اما بخشی از گفتمان سیاسی و ایدئولوژیکی العالم از این گزاره «در کنار زبان مادری فارسی، او به پنج زبان جهان یعنی عربی، انگلیسی، فرانسه، آلمانی و روسی صحبت می‌کند. سیاست خارجی حسن روحانی در دوران تبلیغات انتخاباتی، مشخص شد و وی پس از پیروزی در انتخابات گفت در پی بهبود روابط با کشورهای همسایه و منطقه به ویژه عربستان خواهد بود.» اینگونه استنباط می‌شود که روحانی با توجه به شعار سیاست خارجی‌اش که در دوران تبلیغات انتخاباتی مشخص شد یعنی «اعتدال»، روحانی زبان تعامل و حساسیت پنج کشور غربی را با توجه تجربه سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۵ در مسئولیت ریاست گروه مذاکره‌کننده ایران در مذاکرات هسته‌ای، با این کشورها آشناست و در عین حال با توجه به مهارت در این زمینه گرچه زمانبر است اما در بلند مدت مثبت خواهد بود. بنابراین جایگاه ایران در ابعاد مختلف چه در منطقه، چه در محور مقاومت و ریاست ایران بر غیرمتعهدها و توان استراتژیک، ژئواستراتژیک و ژئوپولوتیک برای اروپا قابل درک است. هرچند این گزاره در کل استعاره است و در سطح گفتمان رسانه‌ای از آن به عنوان یک مهارت ارتباطی القاء و استنباط می‌شود از سوی دیگر رهیافت گفتمان تلویحی سیاسی و ایدئولوژیکی که از گزاره العالم استنباط می‌شود مبنی بر اینکه در سطح سیاسی گفتمان دولت جدید در سیاست خارجی بهبود روابط با کشورهای همسایه است اما فارغ از این موضوع داشتن زمینه‌های مشترک فرهنگی، دینی و اعتقادی می‌تواند به عنوان یک

کاتالیزور تعیین کننده و تسهیل کننده در موضوعات و مسائلی سیاسی کشورهای منطقه و بویژه جهان اسلامی از جمله قضیه فلسطین که به عنوان «زخم عمیقی در جسم امت اسلام رنج میدهد باید درمان شود» باشد. و در عین حال در سطح ایدئولوژیکی تلویحا اتخاذ رویکرد واحد را را قبال مسائل جهان اسلام و دشمنان امت اسلامی از جمله رژیم اسرائیل تاکید دارد «وی از قضیه فلسطین حمایت و با سیاست‌های رژیم اسرائیل مخالفت کرد.»

العالم در بخشی از گفتمان سیاسی خود در خصوص بحث گفتگو دو پیش فرض اساسی را در سطح رسانه‌ای مورد تاکید قرار میدهد نخست به رسمیت شناخت حق هسته‌ای ایران و حذف تحریم‌های ظالمانه، و در ادامه شرط‌های ثانویه را مورد تاکید قرار میدهد که عبارتند از اینکه مذاکره بر اساس احترام دوجانبه و عدم دخالت در امور داخلی و توقف سیاست‌های یک جانبه که تلویحا در سطح گفتمان سیاسی اینگونه استنباط می‌شود که مرحله نخست بستر ورود به مذاکره پذیرش و حذف تحریم‌ها می‌تواند به عنوان پیش شرط ورود ایران به مذاکره با آمریکا باشد در عین حال تعهد گروه ۱+۵ یا آمریکا به نمایندگی از آنها باید به این دو مورد پایبند باشد و ایران در روند مذاکرات هیچ گونه پیش شرطی را نمی‌پذیرد و از سوی دیگر آمریکا در مسائل داخلی ایران دخالت نکند و یا نسبت به دخالت‌های خود در رویدادهای مختلف گذشته باید اعتراف کند و آمریکا در قبال ایران نه در شعار بلکه در عمل باید رفتار خود را تغییر دهد در عین حال در منطقه نیز سیاست‌های یک جانبه خود را باید در خصوص سوریه و... متوقف کند.

العالم در قطب‌بندی ظریف یک مرزی بین اروپا و آمریکا ترسیم می‌کند اما در گفتمان سیاسی و تلویحی خود بر این موضوع تاکید دارد که هر چند آمریکا با تحریم‌ها به استقبال دولت روحانی رفت اما به مانند همپیمانان اروپایی خود رویکرد عقلانیت پیش خواهد گرفت و همسو با آنها در حل مسائل از جمله برنامه هسته‌ای خواهد شد و اینکه در نهایت عدم همراه شدن به ضرر آمریکا تمام می‌شود. البته آمریکا با گذشت ۳۴ سال عدم رابطه هنوز در رفتار خود در قبال ایران تمایل به تغییر رفتار و رویه است یا نه؟

العالم در ادامه بسط گفتمان «اعتدال و میانه روی» را می‌کوشد برای کشورهای غربی تفسیر و روشن کند که این دست دراز کردن و انتخاب این گفتمان از سوی دولت به مفهوم عقب نشینی از اصول و حقوق ملت ایران نیست بازنمایی می‌کنند و در عین حال آنرا رویکرد عقلانی و پرهیز از افراط و تفریط برای رقبای غربی از گفتار رهبری ترسیم می‌کند با این حال اینگونه بازنمایی می‌کند که رهبری نظام و مردم از این رویکرد دولت پشتیبانی می‌کنند. اما این سنتز گفتمانی را مورد تاکید قرار میدهد که ملت ایران امید به غرب ندوخته و اعتماد خود را بر ظرفیت درونی متمرکز کرده است و در کنار این موضوع تلویحا بر بی اعتمادی به غرب را القاء می‌کند.

تحلیل و تبیین بازنمایی گفتمان انتقادی شبکه العالم بعد از مراسم تنفیذ (تا تحلیف) رئیس جمهور هفتم

شبکه العالم به‌عنوان شبکه بین‌المللی که پوشش خبری رویدادها برای مخاطبان عربی زبان تعریف شده‌است، در گزارش خود بعد از مراسم تنفیذ در سطح گفتمان رسانه‌ای ضمن نگاه مثبت به انتخابات دوره یازدهم و پیروزی حسن روحانی و فضای شکل گرفته بعد از پیروزی وی را مثبت برای مخاطبان عربی زبان در ابعاد داخلی و خارجی بازنمایی کرد. گفتمان رسانه‌ای العالم در حوزه داخلی تلاش برای بازنمایی تعامل سازنده بین قوای سه‌گانه بویژه مجلس شورای اسلامی و قوه مجریه است، که متاسفانه چنین فضای تعاملی بین قوا در دوره محمود احمدی نژاد آسیب دیده بود

العالم ضمن تاکید بر آن بخش از سخنان روحانی در مراسم تحلیف در ابعاد منطقه‌ای و همسایگان ایران اینگونه بازنمایی می‌کند که «ایران کشوری در پی جنگ و جنگ افروزی در منطقه و تمایل به تغییرات مرزی نیست» که البته تلویحا این استنباط می‌شود که در خصوص ادعاهای امارات در خصوص جزایر «تنب کوچک و تنب بزرگ» در جریان سازی‌های مختلف در رسانه‌های عربی وابسته به آنها که بارها ادعا کردند، دولت جمهوری اسلامی بر جدایی پذیر نبودن این جزایر بر اساس مستندات تاریخی تاکید دارد و از سوی دیگر در سطح گفتمان سیاسی اینگونه برداشت می‌شود که جریان سازی‌های رسانه غربی و عربی منطقه که برخی از فعالیت‌های ایران از

جمله برنامه هسته‌ای آرامش منطقه را تحت الشعاع خود قرار داده و بر رقابت تسلیحاتی در خاورمیانه دامن زده است، رد می‌کند و این رهیافت گفتمانی را القاء می‌کند که دولت ایران هیچ تهدیدی برای کشورهای منطقه در ادوار تاریخی نبوده و در آینده نیز روابط خود را با کشورهای منطقه بر اساس حسن همجواری و تقویت و تعامل سازنده با آنها تعریف می‌کند و تلاش دولت یازدهم در راستای از بین بردن برخی از تنش‌ها خواهد بود. البته سنتز گفتمانی العالم در سطح سیاسی تاکید بر این مساله نیز دارد که کشورهای منطقه بلحاظ تاریخی برای همدیگر تهدیدی نبوده‌اند و این گفتمان تصنعی تهدید گفتمان بومی کشورهای منطقه نیست بلکه خارج از کشورهای منطقه هدایت و دیکته می‌شود و در صورت اختلافات نیز کشورهای منطقه با تعامل می‌توانند مسائل و مشکلات خود را حل کنند. به عبارتی حل مسائل و مشکلات و برخی از اختلافات جزئی کشور ثالث خارج از منطقه برای مداخله نمی‌طلبد. یا گفتمان رسانه‌ای در حوزه منطقه دخالت بیگانگان را در مسائل کشورها رد می‌کند. البته در سطح گفتمان ایدئولوژیکی تلویحا می‌کوشد فصل‌های مشترک دینی و عقیدتی را در تعامل با کشورها همسایه آلقاء کند.

العالم این سنتز گفتمانی را از سخنان روحانی را در یک پیش فرض اساسی با توجه به سخنان رئیس‌جمهور تاکید می‌کند و آن مبنی بر اینکه، هرچند واکنش برخی از کشورهای غربی در خصوص دولت روحانی و سیاست‌های وی نشانه‌های از استقبال و تعامل دریافت می‌شود ولی سیاست دولت روحانی به مثابه سیاست نظام جمهوری اسلامی بدون پذیرش پیش‌شرط برای هر گفتگو و تعامل با غرب و از موضوع برابر و گفتگوی عادلانه خواهد بود. در عین حال همانطور که سیاست دولت مبتنی بر اعتدال و تعامل با کشورهای منطقه و غربی است در صورت تعیین پیش شرط ایران این گفتگوها را در مسیر گفتگو و تعامل برای شروع و استمرار آن ارزیابی نمی‌کند و در صورت هرگونه کارشکنی و تشدید تحریم‌ها نتیجه آن به ضرر خود کشورهای تحریم‌کننده خواهد بود و ایران گفتگویی را خواستار است که منافع طرفین در این تعامل تامین شود یعنی بازی برد-برد. «ایران خواستار گفتگوی عادلانه با همه کشورهاست و تحریم و مجازات ایران بیهوده است.»

تحلیل و تبیین بازنمایی گفتمان انتقادی شبکه العالم بعد از مراسم تحلیف رئیس جمهور هفتم

گفتمان رسانه‌ای گزارش‌های شبکه‌العالم بعد از مراسم تحلیف برجسته‌سازی اصول سیاست خارجی دولت یازدهم به مثابه سیاست خارجی جمهوری اسلامی در چند محور مهم همچون «تعامل ایران با همه کشورهای منطقه و جهان، گفتگو، صلح، ثبات منطقه در قالب سیاست باز و مخالفت با حضور بیگانگان در منطقه و دخالت آنها در امور کشورها» استنباط می‌شود. «اصول سیاست خارجی دولت خود را تعامل با همه کشورهای جهان براساس مساوات و احترام متقابل دانست.» و «گفتگو براساس احترام و تبادل تنها راه حل در برخورد با ایران است.» «حسن روحانی رئیس‌جمهور جدید تأکید کرد گفتگو براساس احترام و تبادل تنها راه حل در برخورد با ایران است. جمهوری اسلامی در پی صلح و ثبات منطقه است و با تغییر رژیم و مرزها با استفاده از زور و دخالت بیگانگان مخالف است.» گفتمان دولت یازدهم در حوزه داخلی نیز بر حاکمیت قانون به عنوان مهمترین عنصر در اداره کشور که رهبری نظام نیز بارها بر آن در رویدادهای خاص بر پایبندی و اصل بودن قانون در اداره و تعاملات بین قوای سه گانه تأکید داشتند استنباط می‌شود. در سطح گفتمان سیاسی در حوزه داخلی نیز علاوه بر عنصر قانون تعامل به مثابه وحدت بین قوای سه گانه و به مثابه الگویی نمونه برای سطوح مختلف جامعه بازنمایی می‌کند. همچنین گفتمان دولت در حوزه اقتصادی نیز با توجه به گفتمان العالم تلاش برای حضور و مشارکت مردم در عرصه اقتصادی در قالب کاهش تصدی‌گری دولت همانطور که در عرصه سیاسی در انتخابات حماسه آفریدند در حوزه اقتصادی نیز با حضور بخش خصوصی و تعامل سازنده بین مردم در راستای حل مشکلات کشور استنباط می‌شود هر چند بازنمایی گفتمان العالم بگونه است که دو عنصر قانونمندی و تعامل بین قوای سه گانه از آن مطلوبیت برخوردار نبود. در عین حال در بخشی از خرده گفتمان سیاسی تلویحا تأکید دارد که دولت روحانی با بهره‌گیری از وزرای با سابقه در حوزه سیاست خارجی و اقتصادی

بویژه وزارت امور خارجه و وزرات نفت در رسیدن به اهداف و شعارهایش در این دو حوزه موفق خواهد بود.

بنابراین در بازنمایی گفتمان دولت در حوزه سیاست خارجی تلویحا می‌کوشد دخالت بیگانگان را در تحولات و رویدادهای سوریه را به مثابه دخالت کشورهای بیگانه در امور داخلی آنها آلفاء کند. از سوی دیگر تلویحا موضوع بحرین استنباط می‌شود که مردم این کشور خواستار تحقق آزادی‌های سیاسی در کشورشان هستند و نحوه برخورد حاکمیت با مردم این کشور قابل تامل است. بر این اساس جمهوری اسلامی بر اساس اصول سیاست خارجی خود ضمن احترام به حاکمیت کشورها، مخالف حضور بیگانگان در منطقه در سطح کلان و در سطح خرد، حضور نیروهای سرکوبگر عربستانی در بحرین و دخالت کشورهای غربی و برخی در منطقه در تحولات سوریه است و در این راستا جمهوری اسلامی ضمن رد دخالت بیگانگان در امور داخلی کشورهای منطقه، صرفا مردم را به عنوان عاملان اساسی و تصمیم‌گیر در سرنوشت سیاسی و آینده کشورشان قلمداد می‌کند.

العالم در بازنمایی واکنش‌های گفتمانی استقبال از سیاست‌های دولت جدید که تاکیدی صریح دارد مبنی بر متفاوت بودن بویژه در حوزه دیپلماسی سطح تعهدات بین‌المللی که غرب از آن یاد می‌کند، سطح نگرانی را تقلیل می‌دهد چرا که تلویحا از گفتمان العالم اینگونه استنباط می‌شود که این تعهدات دقیقا خواسته چند کشور غربی است و خواسته‌ها در قالب جامعه جهانی جز بهانه تلقی نمی‌شود و از همین رو در رژیم گفتمانی که از محتوای مطالب آن استنباط می‌شود تاکید بر واقعی نبودن معیارهای تعهدات چند کشور غربی به مثابه رژیم حقیقت جامعه بین‌المللی پذیرفته نمی‌شود. به عنوان مثال: «تاکنون بیش از ده هیئت سیاسی از جمله خاویر سولانا، مسئول سابق سیاست خارجی اتحادیه اروپا به عنوان میهمان ویژه وارد ایران شدند. هیئتی از برزیل به ریاست وزیر امور خارجه نیز وارد کشور شدند. وزیر فرهنگ چین نیز ریاست هیئت چینی را برعهده دارد. هیئت سیاسی کره شمالی نیز به ریاست رئیس مجمع عالی خلق این کشور وارد ایران شد. از هند نیز وزیر امور خارجه این کشور به نمایندگی از دولت این کشور وارد ایران شده است هیئت‌های دیگری نیز

تاکنون وارد تهران شدند. قرار است نمایندگانی از حدود ۶۰ کشور در این مراسم حاضر شوند که در میان آنها ۱۱ رئیس دولت و کشور مشاهده می‌شود.»

بی‌تردید العالم سنترگفتمانی خود از گفتمان دولت یازدهم به مثابه میانه رو در بعد داخلی و خارجی یاد می‌کند از سوی دیگر این رهیافت گفتمانی استنباط می‌شود که رژیم اسرائیل و عربستان این دو در فرآیند فضای گفتمانی جدید سیاست‌های دولت یازدهم و استقبال دولت‌های اروپایی از آن ناخوشایند هستند. در مجموع از گفتمان العالم اینگونه استنباط می‌شود که رژیم اسرائیل در مقطع کنونی یعنی با آغاز دولت یازدهم روند ایزوله شدن این رژیم با توجه به تحولات منطقه و برای عربستان در منطقه روندی سریعتر به خود گرفته و در صورت تعامل تهران و واشنگتن، عربستان یا به عبارتی هیات حاکمه این کشور روند تحولات را برای خود مثبت ارزیابی نمی‌کنند و هیات حاکمه عربستان با توجه به تحولات داخلی و بیرون از قبیل تحولات کشورهای همسایه چون بحرین هم از بعد داخلی و خارجی تهدیدی جدی تلقی می‌کند به عنوان مثال: «واکنش‌های اولیه از همین مشارکت خوب به ویژه مشارکت نمایندگان منطقه‌ای آشکار شد ما این مشارکت را به ویژه مشارکت کشورهای عربی و همسایه و خاصه نمایندگان کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و کشورهای دو ست در منطقه اعم از پاکستان، افغانستان، کشورهای آسیای میانه و برخی از کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین قدر می‌شناسیم به نظر من از این پس مسئولیت به گردن قدرت‌های بزرگ است.» که می‌تواند روابط این کشور را با آمریکا تحت الشعاع قرار دهد از سوی دیگر نتانیاهو نیز در شرایط کنونی در وضعیتی قرار گرفته که در صورت ادامه این روند کابینه وی سقوط خواهد کرد هرچند تلاش‌های لابی با نفوذ در کنگره در راستای اهداف خود و شکل‌گیری این تعامل اختلال ایجاد کند اما پیش گرفتن این رویه گفتمانی نتانیاهو و عربستان موید درک خطر القاء می‌شود. به عنوان مثال: «البته آمریکا با تحریم‌های جدید از آقای روحانی استقبال کرد تحریم‌هایی که کنگره از سال شد ولی نمی‌دانم آیا تصویب می‌شود و پس از آن به امضای آقای اوباما می‌رسد یا آنکه آمریکا نیز راه حکمت و عقلانیت را در پیش می‌گیرد و با هم پیمانان خود در اتحادیه اروپا همراه می‌شود.»



شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بحث و نتیجه گیری

شبکه الجزیره انگلیسی هرچند در بعد داخلی به بازنمایی منفی اقدامات دولت نهم و دهم پرداخت. در سطح داخلی، رویکرد رسانه‌ای این شبکه تلاش برای قطب‌بندی سیاسی کاذب، دامن‌زدن به اختلافات در مسائل ملی نظام همچون هسته‌ای به منظور ایجاد شکاف بین مسئولان نظام بود. در حوزه سیاست خارجی، دیدگاه‌های ضدایرانی (رژیم صهیونیستی و لابی وابسته به این رژیم در کنکرة امریکا) همچون «استقبال مشروط از مذاکرات هسته‌ای» برجسته سازی شد. در مجموع، به‌طور تلویحی گفتمان «رویکرد پان عربیسمی مخالف تعامل ایران با کشورهای منطقه و حتی مذاکره مستقیم با امریکا» از این شبکه استنباط می‌شود.

شبکه بی‌بی‌سی جهانی نیز در گفتمان رسانه‌ای خود «رهایی جمهوری اسلامی از شرایط داخلی کنونی و پیشرفت ایران را در گرو تعامل با غرب» تعریف، ظرفیت‌های داخلی را ناکارآمد بازنمایی کرد (طرد گفتمان درون‌زایی بومی و ملی). همچنین پیشرفت ایران را در موفقیت سیاست خارجی روحانی در گرو بهره‌گیری از ظرفیت‌های خارجی دانست.

به‌طور کلی وابستگی و تن دادن ایران به خواسته‌های غرب، پاشنه آشیل است که در قالب گفتمان «سلطه و محکوم» از گزارش‌های خبری این شبکه استنباط می‌شود. شبکه‌سی‌ان‌ان بین‌المللی با ترسیم فضای امنیتی کشور، آن را ناشی از تأثیر گذاری تحریم‌ها بر قشرهای مختلف مردم، کاهش محبوبیت حاکمیت و ناکارآمدی نظام دانست. این شبکه برای خروج از این شرایط «اصلاحات در حوزه داخلی در کنار تعامل با غرب را به مثابه حیات مجدد نظام» بازنمایی کرد. همچنین بر این نکته تأکید کرد که آقای روحانی برای پیشبرد سیاست خارجی‌اش با موانع مهمی (همچون رهبری نظام و مجلس تندرو) روبرو خواهد بود. در مجموع گفتمان «اضطرار دو سویه تهران — و اشنگتن» از بازنمایی گزارش‌های این شبکه استنباط می‌شود (سیاست این شبکه قبل از روز تنفیذ «سکوت» بود). شبکه پرس تی‌وی با برجسته سازی شعارهای دولت یازدهم در سیاست خارجی، پشتیبانی مقام معظم رهبری و مردم را عامل مهمی در پیشرفت دولت دانست و انتخابات را به مثابه نمایش

بزرگ دموکراسی عنوان کرد. این شبکه «نبود اعتدال در مدیریت کشور» — از ابتدای انقلاب تاکنون — به‌ویژه در دولت احمدی‌نژاد را در قالب گفتمان تاریخی بازنمایی و برخی از رویدادها را متأثر از بعضی افراط‌گرایی‌ها القا کرد. در مجموع از بازنمایی حماسه سیاسی مردم ایران در انتخابات و همراه شدن جامعه با شور شوق و لزوم پاسخگویی دولت روحانی به مطالبات مردم، گفتمان «امید و انتظار» استنباط می‌شود. شبکه‌العالم هم گفتمان «مردم‌سالاری اسلامی» را با تأکید بر محورهای همچون «قانون‌گرایی، چندصدایی و مشارکت ۷۳ درصدی مردم در انتخابات» به عنوان دموکراسی منحصر به فرد، تعریف و مشارکت مردم در مدیریت کلان کشور را الگویی موفق برای منطقه بازنمایی کرد.



منابع

- ۱) ایزدی، فواد، (۱۳۸۸)، «نگاه نظری به دیپلماسی عمومی آمریکا»، تهران: شماره ۷۸، فصلنامه رسانه، تابستان.
- ۲) پاستر، مارک، (۱۳۷۷)، «عصر دوم رسانه‌ها، غلامحسین صالحیار، انتشارات موسسه ایران، چاپ اول.
- ۳) ژان پی یردو پویی، (۱۳۷۹)، «اسطوره‌های جامعه‌اطلاعاتی: جامعه انفورماتیک و سرمایه‌دار، واقعیت واسطوره»، خسروپارسا، تهران، نشر آگه.
- ۴) پیرنجم الدین، حسین، (۱۳۸۹)، «گفتمان شرق شناسانه درازنمایی‌های رسانه‌ای غرب از ایران»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، شماره ۲، تابستان.
- ۵) دروین برندا، گراسبرگ لارنس، اوکیف بار باراجی وورتلا الن (ویراستاران)، (۱۳۷۴)، «بازنگری در ارتباطات مربوط به نگاره‌ها، ترجمه محمود صدری، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات و مطالعات رسانه‌ها.
- ۶) شمخانی، علی، (۱۳۸۹)، آمریکا در برابر ایران، تهران، انتشارات موسسه مطالعات دفاعی.
- ۷) فرکلاف، نورمن، (۱۳۷۹)، تحلیل گفتمان انتقادی، گروه مترجمان، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ای.
- ۸) کاستلز، مانوئل، (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ظهور جامعه شبکه‌ای، مترجمان: احمد علیقلیان، افشین خاکباز، جلد اول، تهران: انتشارات طرح نو، چاپ دوم.
- ۹) معتمدنژاد، کاظم، (۱۳۷۱)، «مطالعات انتقادی دروسایل ارتباط جمعی»، فصلنامه رسانه: شماره مسلسل ۹، سال سوم.
- ۱۰) مهدی زاده، سید محمد، (۱۳۸۷)، رسانه‌ها و بازنمایی، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- ۱۱) مورگنتا، هانس، (۱۳۷۸)، سیاست‌میان ملت‌ها، حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

۱۲) میرعابدینی، احمد، (۱۳۸۰)، "بازتولید ایدئولوژی درخبر"، فصلنامه پژوهش و سنجش، سال هشتم، شماره ۲۷.

- 1) Bryman, A. (2012). *Social research methods*. 4th Edition. Oxford: Oxford University Press.
- 2) Calvert & Lewis. (2002). *Television studies: the key concepts*. Routledge publications.
- 3) Hall, Stuart. (1997). *The Work of Representation*, In *Cultural Representation and Signifying*
- 4) Norman Fairclough. (۱۹۹۵). *Media Discourse*. London: Edward Arnold.
- 5) Stafford, Gil and Roy. (2003). *THE MEDIA STUDENT 'S BOOK*, Bronston press.
- 6) Van Dijk, T. A. (2001). *Critical discourse analysis*. In D. Tannen, D. Schifrin, & H. Hamilton (Eds.), *Handbook of discourse analysis* (pp. 352-371). Oxford: Blackwell.
- 7) Teun A. Van Dijk. (2008). *Discourse and Power*. Hounds mills: Palgrave.
- 8) Van Dijk, T.A. (2008). *Discourse and Power: Contributions to Critical Discourse Studies*. Houndmills: Palgrave.
- 9) van Dijk, Teun A. (2009). *Society and Discourse: How Social Contexts Influence Text and Talk*. *Journal of Language and Politics* Vol. 9:3 (2010) pp. 469-474